



دراگر کانونه
\$1.50

مشرقی نامہ مردم افغانستان

شماره یازدهم / سال بیست و نهم / سوم حوت ۱۳۹۹ / ۲۱ فبروری ۲۰۲۱ / شماره مسلسل ۱۰۷۹

ماییم وهزارگونه خودکامی خویش
ای شاه رُسل مرا فرو نگذاری
مستوجب آتشیم از خامی خویش
در روز جزا به حق هم نامی خویش
مولینا محمد ابن حسام خوسفی

افغان مینی مارکیٹ عرضه کنندہ
انواع مواد خوراکیه وطنی

یگانہ مغازه افغانی
در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd Springfield, VA
22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

تاریخچه طبابت در افغانستان

جلد اول و دوم این کتاب تاریخچه شامل ایام زرتشت تا سال های معاصر را با خاطرات دوران محصلی درفاکولته طب دربر دارد، اثر دکتر غلام محمد دستگیر تازه چاپ شده، علاقمندان ودوستان کتاب غرض دسترسی به ان به نشانی های ذیل تماس حاصل نمایند.

اروپا به شماره ۰۶۴۴۴۴۴۰۶۰

امریکا به ایمیل آدرس

dastageer2008@hotmail.com

لندن ۰۷۸۱۴۳۲۶۴۷۴

انتیاک، کالیفورنیا

امیر محمد کیفی

احمدزی لتقام می گیرد!

اشرف غنی احمدزی بار دیگر لاف زد که انتقام حادثه دلخراش دانشگاه کابل را «چند برابر خواهم گرفت»؟! بسیار خوب، انتقام از کی ویا کی هاخواهید گرفت؟ در حادثه المناک دانشگاه کابل بیست و دو جوان اعم از دختر و پسر که محصلین دانشکده حقوق رشته خدمات عامه بودند، جان های شیرین خویش را از دست دادند و حدود چهل نفر به گفته طلوع نیوز زخمی شدند. به گفته روزنامه نگارانی که با شاهدان عینی مصاحبه ها کردند و در روزنامه هاوشبکه های اجتماعی انعکاس گسترده یافت، نشان میدهد که تروریستان به زبانهای پشتو و اردوگپ میزدند.

از آقای غنی احمدزی، این شخص علیل، مریض و کم عقل پرسیده شود که انتقام از کی میگیری و چطور؟! آقای احمدزی توهمان شخصی هستی که بیش از پنج هزار طالب جانی را بدون قید و شرط از محاسن افغانستان رها کردی و آنها را ملبس با پیراهن، تنبان و واسکت پاکستانی ساختی و قرار افواہ مبلغ پنج هزار افغانی را بنام پول جیب خرج نصاب قربان سرشان ساختی و آرزو کردی که این «حسن نیت» منجر به آوردن صلح گردد. توهمان شخصی هستی که برای رهایی چهارصد زندانی دیگر که آنها را خطرناک قلمداد کردی، لویه جرگه مشورتی؟! رادایر و برای رهایی این (چهار صد طالب خطرناک) صبغه قانونی دادی و مسئولیت رهایی آنها را بدوش لویه جرگه انداختی. اینکه برای تدویر لویه جرگه مشورتی چند میلیون دالر مصرف کردی، آنرا کنار میگذارم!

شماره روز سوم لویه جرگه مشورتی با صدای رسا، دستک زدنها، گلون پاره کردنها و چیغ زندنها گفتید بعد از ختم این لویه جرگه در ظرف سه روز مذاکرات با طالبان آغاز میشود. اکنون که ماهها از آن تاریخ می گذرد نه خبری از صلح شنیده شد و نه طالبان به آرزوهای خودت و قعی گذاشتند! طالبان، این گروه متحجر روز بروز به وحشت و دهشت می افزاینده و از مردم بی دفاع افغانستان قربانی میگیرند.

آقای غنی شما جز دروغ، فریبکاری و خاک زدن به چشم مردم دیگر هیچ کاری انجام نمی دهید. دروغگویی، لاف و پتاق هم حد و حدودی دارد، لطفا بس کنید، کاری از دست تان نمی آید بهتر است به عجز و ناتوانی اداره کشور و آوردن امنیت اعتراف کنید و با کنار بروید که ملت سرنوشت خود را خود رقم بزنند. تو نمی توانی با این تیم متعصب، قومگرا و مفسد تامل امنیت کنی!

میدانید مشاور امنیت ملی تان تحصیلات در رشته ترمیم کامپیوتر دارد، و شما بدون کدام سنجش این شخص رابه سن سی و دو سالگی سفیر در امریکا مقرر کردید و بعد از یک مدت کوتاه نسبت تنش های سیاسی با وزارت خارجه امریکا به ارتباط صحبت های ناسنجیده و غیر دپلوماتیکش علیه خلیل زاد، روابط دپلوماتیک به سردی گرایید، همکاریهای دپلوماتیک قطع شد و شما مجبور شدید او را به کابل بخواهید و در عوض اینکه به وزارت مخابرات معرفی کنید او را مشاور امنیت ملی کشور تعیین کردید. تحصیلات این آقادر رشته ترمیم آلات تخنیک کامپیوتر و شاید هم تلفونهای دستی باشد، این شخص لقب داکتری را هم به نام خود چسپانده که واقعیت امر جزیه خودش و غنی به دیگران معلوم نیست.

آقای حمد لله محب که ادعا دارد داکتری در کامپیوتر ساینس دارد، گفته می شود که بیعت مشاور امنیت ملی، صلاحیت های وزارت های داخله، دفاع و ریاست امنیت ملی را بخود اختصاص داده است. شما با داشتن این لعبتک نازدانه چطور انتقام دانشجویان دانشکده حقوق کابل را می گیرید؟! مشاور امنیت ملی تا از جغرافیایی کشور خود آگاهی ندارد، اوبه سن شانزده سالگی از کمپ های مهاجرین در پاکستان به لندن برای تحصیل فرستاده شد و به تحصیل کامپیوتر پرداخت، از سیاست و امنیت چه میداند؟ او به شماد باره امنیت کشور چه مشوره خواهد داد؟! (دنباله در صفحه هشت)

ضایعه علمی و فرهنگی

در این شماره امید، یکی از آخرین نگاشته های همکار مرحوم جریده، جناب شادروان امیر محمد کیفی، سابق استاد زبان و ادب انگلیسی در دانشکده تعلیم و تربیه دانشگاه کابل، که روز نهم جنوری ۲۰۲۱ در شهر انتیاک شمال کالیفورنیا به رحمت حق پیوستند. با اظهار تسلیت به بازماندگان جناب استاد و جامعه علمی کشور، از بارگاه رب العالمین استدعا داریم روان پاکش را در ذیل مراسم خویش شاد بدارد و



بهشت برین را جایگاهش بسازد. امین
شادروان استاد امیر محمد کیفی

نشریات دانشگاه جان هاپکنز و WHO ثبت و پخش نمودیم تا وطنداران ما بدانند که این ویروس ساده نبوده بسیار خطرناک است و هم معلومات در موارد وقایع از مصاب شدن به کووید ۱۹ در دست داشته باشند. مترافق همین وقت است که تشبثات به ضد حقیقی و مستند بودن ویروس کرونا شروع شد. دونالد ترمپ از قصر سفید اعلان کرد که: «این یک ویروس عادی مانند فلو و سرما خوردگی بوده امروز ۱۵ واقعه ثبت شده در ظرف چند ماه در تابستان همه از بین میروند» و جدیت موضوع را از طرف داکتر انتونی فوچی دایر کترانسیتوت ملی الرژی و امراض انتانی که کنون مشاور ارشد طبی رئیس جمهور جدید جو بایدن است و بارها از وخامت و شیوع سریع هوشدار می داد و ارقام ارائه می کرد نادیده می گرفت تا حدیکه این طیب ساینست را از تیم مشاورین ویروس کرونا در قصر سفید خارج ساختند.

به عوض یک عالم متحجر با شهرت جهانی چون فوچی! یک داکتر PhD به نام پال الکساندر کانادایی که مؤلف «رهنمای پرکتس کلینیکی و صحت عامه» می باشد از طرف سکرتر HHS (وزارت خدمات بشری و صحت) مایکل کیوتو استخدام و به حیث ساینست به قصر سفید معرفی شد. چون به مزاج ترمپ سخن میگفت ترمپ هم از او حمایت کرده گفتارش را تکرار می نمود. متاسفانه با مشوره های نادرست چون بگذارید مردم ماسک نپوشند، از اجتماعات دوری نجویند؛ محافل برگزار سازند؛ یعنی بگذارید مردم با این ویروس منتن گردند، طرفدارانی هم پیدا کرد. پال الکساندر باور داشت که موجودیت ویروس در محیط با میکائیزم Herd immunity یا معافیت گله ای را در اجتماع سبب شده مرض گم می شود؟

ایپیدمیولوژیست ها و هم داکتر فوچی این نظریه را رد نموده هوشدار دادند که اگر مردم قصاداً خود را به این ویروس خطرناک معروض سازند ممکن به حیات شان پایان دهند که همان طور هم شد! ولی تا آخر مرغ این داکتر یک لنگ داشت و بر باور خود اصرار میوزید در حالیکه تعداد مصابین (دنباله درص هفت)

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد، کولورادو

لطفا ویروس کرونا را جدی بگیرید به واهیات گوش ندهید

چندی قبل یک نشریه ایتالوی در فیسبوک توجهم را جلب نمود. آنها معلوماتی در باره کرونا ویروس که جعلی است و مریضان به اساس مطالعات اتوپسی مصاب با کتری بوده با انتی بیوتیک ها تداوی شده اند، نوشته بودند. بعد از مطالعه آن درک نمودم که نشریه فوق به اساس معلومات که من در باره این ویروس خانمانسوز دارم چندان صدق نمی کند. ضمناً به این فکر افتادم که هدف این نشریه ممکن برای تقویت پالیسی ضد ویروس کرونای اداره رئیس جمهور زمان آقای دونالد ترمپ و هم تقبیح فعالیت های مؤسسه صحتی جهان که آنها هم از طرف ترمپ مورد انتقاد قرار گرفته بود طرح شده باشد. این مفکوره وقتی باورم را قوت بخشید که آقای «ستیف برینان» سابق ستراتیژیست قصر سفید برای هفت ماه که یک مدیر مجرب رسانه امریکا نیز می باشد، درین زمان ساکن ایتالیا بود. بعداً برینان یک دوست صمیمی ترمپ که متهم به دوسیه های متعدد است مورد عفو ترمپ قرار گرفت. در نتیجه به این فکر افتادم تا مقاله درین موضوع جهت آگاهی وطنداران بنویسم. منتها، چون بحث مسلکی و علمی است ناگزیرم که بعضی اصطلاحات را برای وضاحت بخشیدن موضوع به کار ببرم.

این مقاله با مقدمه، تاریخچه ویروس کرونا، اناطومی کرونا، انواع ویروس کرونا، متن ساختن حجره میزبان، اعراض، وقایع و اکسینشن و تداوی ویروس کرونا حضور تان تقدیم میگردد. موضوع دلچسپ است و از باعشی مختصراً عمیق می روم تا خوانندگان عزیز مقاله درک نمایند که COVID-19 یک ویروس جعلی نبوده خوب شناخته شده است. در آخر درک خواهید نمود که آنچه ایتالوی ها نوشته اند یک توطئه جز به مفاد توطئه گران کلان چیز دیگر نبوده است.

اولتر از همه باید بدانیم که اتان و منتن شدن چیست؟ «اتان» میکروبیست که توسط مایکرو اورگانیزم ها به وجود آمده قسمت های مختلف عضویت را «منتن» می سازد مثلاً اتان فلو، اتان ستریپ گلو ویا سرخکان. هم چنین، گفته می توانیم که قسمت های مختلف بدن مریضان با رکتیسیا، پروتوزوا، باکتری ها و ویروس ها منتن شده است. ولی این منتن شدن نظر به نوع مایکرو اورگانیزم فرق میکند یعنی میکائیزم منتن شدن باکتری از منتن شده با ویروس مانند فلو ویا کرونا ویا سیرو رکتیسیا از هم فرق دارند. وقتی که میگویم فرد با ویروس کرونا منتن شده معنی این ندارد که ویروس مانند باکتری ستا فیلو کوک در حجره میزبان داخل شده اعراض به وجود میآورد ولی این بکتری میتواند بر محلی که ویروس هجوم برده اتان تالی یا ثانوی را سبب شود. ایتالوی ها ازین اصطلاح اتان و منتن شدن و هم از موجودیت اتانات تالی مریضان اسلحه برای هجوم بر فکر و دماغ مردمان خوشباور استفاده کرده اند. در قسمت طرح توطئه ویروس کرونا و ایجاد تشویش و وسوسه در نزد آن ها موفق بوده اکثر ادر ابتدا ویروس کرونا را جعلی فکر میکردند و اکنون واکسین ضد کووید ۱۹ را نمی پذیرند که ممکن به قیمت حیات شان بیانجامد. این چند صفحه را به دقت بخوانید و در آخر خود نتیجه گیری کنید.

در سال ۱۹۸۲ زمانی که به حیث چیرمن کمیته انتانات شفاخانه موظف بودم برای شفاخانه و دیپارتمنت های مختلف آن کتاب «کنترول انتانات» را زیر عنوان Infection Control Manual نوشتم از ویروس های Rhinoviruses که شامل گریپ و ریزش بود نام برده شده و هم از ویروس های RNA یاد نمودم، مگر چون به ویروس کرونا آشنایی نداشتم، تذکری نداده بودم. با سر و صدای این ویروس در اوایل سال ۲۰۲۰ به کمک ژورنالست افغان ما محترم اورنگ زیب شریفی از انجمن افغان های کولورادو مامور سابق تلویزیون ملی در ماه مارچ ۲۰۲۰ مختصر ویدیوی معلوماتی در فیسبوک و سایت آقای شریفی درباره ویروس کرونا با اساس

حکایتی از گلستان حضرت سعدی شیرازی

پیرمردی حکایت کند که دختری خواسته بود و حجره به گل آراسته و به خلوت با او نشسته و دیده و دل در او بسته و شبهای دراز نختی و بذله‌ها و لطفیه‌ها گفتی، باشد که مؤنست پذیرد و وحشت نگیرد. از جمله می‌گفتم: بخت بلندت یاربود و چشم بخت بیدار که به صحبت پیری افتادی پخته پرورده جهان‌دیده آرمیده گرم و سردچشیده نیک و بدآزموده که حق صحبت بداند و شرط مودت به جای آورد. مشفق و مهربان خوش طبع و شیرین زبان. تا توانم دلت به دست آرم و بر بیازاری ام نیازارم و رچو طوطی شکر بود خورش جان شیرین فدای پرورش نه گرفتار آمدی به دست جوانی معجب خیره رای سرتیر سبک پای که هر دم هوسی پزد و هر لحظه رایبی زندو هرشب جایبی خسید و هرروز یاری گیرد.

وفاداری مدار از بلبلان چشم که هر دم بر گلی دیگر سربند خلاف پیران که به عقل و ادب زندگانی کنند نه به مقتضای جهل جوانی.

زخود بهتری جوی و فرصت شمار که با چون خودی تم کنی روزگار گفت: چندین بر این نمط بگفتم که گمان بردم که دلش بر قید من آمد و صید من شد. ناگه نفسی سرد از سر درد بر آورد و گفت: چندین سخن که بگفتی در ترازوی عقل من وزن آن سخن ندارد که وقتی شنیدم از قابله خویش که گفت زن جوان را اگر تیری در پهلو نشیند به که پیری.

لَمَّا رَأَتْ بَيْنَ يَدَيْ بَعْلَاهَا شَيْئًا كَأَرْخِي شَقَّةَ الصَّامِثِ
تَقُولُ هَذَا مَعَهُ مَيِّتٌ وَأَنَا الرُّقِيبَةُ لِلنَّائِمِ

زن کز بر مردی رضابریزد بس فتنه و جنگ از آن سرا بر خیزد پیری که ز جای خویش نتواند خاست الا به عصاکیش عصا بر خیزد فی الجمله امکان موافقت نبود و به مفارقت انجامید. چون مدت عدت بر آمد، عقد نکاحش بستند با جوانی تند و ترشروی تهیدست بدخوی. جور و جفا می‌دید و رنج و عنامی کشید و شکر نعمت حق همچنان می‌گفت که: الحمد لله که از آن عذاب الیم برهیدم و بدین نعمت مقیم برسیدم.

با این همه جور و تندخویی بارت بکشم که خوب رویی با تو مرا سوختن اندر عذاب به که شدن با دگری در بهشت بوی پیاز از دهن خوبروی نغز ترا ید که گل از دست زشت

که با پدرم به چهاردهی غوربند به دیدن دوستانش رفته بودم، یکی از صحبتهایی که در آنوقت برایم جالب بود در مورد برق بود. یکی از شبها که تعداد زیادی از اهل قریه به دیدن ما آمده بودند صحبت از برق شد و هر کدام از پدرم سؤال میکردند که برق چیست، وقتی پدرم گفت سیم است که در هر خانه دوانده شد و در آخر آن یک گروه است که از شیشه نازک ساخته شده و سویچ دارد که گل روشن میشود، وقتی روشن شود کل خانه مثل روز روشن میشود و تعداد زیادی برق راه رگزندیده بودند و حرفهای پدرم را قبول نمی کردند که چنین چیزی به این کیفیت وجود داشته باشد! در مجلس ریش سفیدی بود که معلوم میشد از همه مستربود و حرفهای پدرم را بدقت گوش می کرد، گفت: ماما! او چیزی که تومیگی یا کار اجنه اس یا کار جادو!

یکی از مشخصات دیگر دوره سلطنت محمد ظاهر شاه و عهد حکمرانی سردار محمد داؤود این بود که استعمال و تولید مواد مخدره در کشور آزاد بود و کسی به جرم تولید مواد مخدر، قاچاق و استعمال آن مجازات نمی شد و خرید و فروش آن آشکارا صورت میگرفت. در مناطق شرق و جنوب کشور بخصوص در خویگانی، سنوار، هیرمند، فراه، قسمت‌هایی از بدخشان، سالانه صدها جریب زمین کو کنار کاشته میشد، حتی در منطقه وزیر جلال آباد، سردار داؤود یک باغ خیلی ها کلان داشت که بنام باغ سردار داؤود یاد میشد، در آن درختان سرو فراوان بود، و اینکه این سردار چنین باغ بزرگ را چطور صاحب شده بود معلوم نیست! ولی جالب است که در اطراف آن باغ بجز کشتزار های کو کنار چیز دیگری دیده نمیشد. بعدها این باغ به یک قطعه نظامی تبدیل شد که هنوز هم صدها جریب زمین در اطراف آن قطعه نظامی کو کنار کشت میشد و سردار داؤود عادت داشت که وقتاً فوقتاً از آن قطعه نظامی دیدار میکرد، که موثر حاملش از میان کشتزار های کو کنار عبور میکرد.

چرس در دوره سلطنت محمد ظاهر شاه در سراسر کشور رایج بود و تعداد زیاد مردم حتی عده از شهروندان کابل، و بعضاً شنیده میشد که خود شاه و سردار داؤود هم گاهی از نشئه چرس مستفید می شدند، تعداد زیادی از حواریون آنها از موضوع خبر داشتند اما از ترس چیزی گفته نمی توانستند. و فرت چرس به اندازه بود که دسته های هیپی ها از کشورهای اروپایی و امریکایی و سراسر دنیا فقط برای چرس کشیدن به کشور میآمدند. در شهر نو کابل ساقی خانه هایی ساخته شده بود که در آن چلم های چرس کشی در هر کنج و کنار اتاقهای آن گذاشته شده بود که هیپی ها در کنار آنها لمیده بودند. من شاهد آن صحنه ها بودم و دهها مردوزن هیپی را دیده ام (صفحه سوم)

دوده زده و باشندگان آن صبح اطراف دهان و بینی شان دوده زده می بود و همین علت بود که اکثریت مردم بخصوص خانها به تکالیف شش و نفس تنگی دچار بودند. طول عمر کمتر از پنجاه سال بود و آنها بیکه به پنجاه سالگی میرسیدند اکثر آ ذندان نمی داشتند یا چندان دندان شکسته و ریخته می داشتند که همواره درد آن اذیت شان می کرد.

اکثریت مطلق مردم کشور کسی را بنام داکتر و داکتر دندان نمی شناختند، وقتی کسی دندان درد میداشت نزد دلاکهای قریه میرفتند و آنان دندان اورا با انورمی کشیدند، نه دوا ی بیحسی بود نا پاکی و تعقیب. بعد از کشیدن دندان، دلاک پنبه را در نمک زده در جای دندان میگذاشت، صحنه های چنین دندان کشیدن را چندین بار به چشم سر دیده ام که سخت هولناک بود، مریض فریاد میکشید و دلاک با هر چه زور و توانایی که داشت توسط انور دندان راکش و گیر میکرد و مردم دور آنها جمع میشدند. این عمل به اندازه هولناک است که بیننده توان دیدن آنرا نداشته و از حال بیحال میشد. در واقع عملی که در قرون وسطا معمول بود، هنوز در عهد سلطنت محمد ظاهر شاه در افغانستان رایج بود!

زندگی زنهانست به مردها ساخت ترو بر عسرت بود، با وجودی که مرد وزن هر دو با فقر و مسکنت دست به گریبان بودند، ولی مردها حداقل امکانات بیرون رفتن از خانه به مسجد داشتند و با مردم قریه نشست و برخاست میکردند که حداقل احساس درد و بیچارگی را کاهش میداد، ولی زنه های بیچاره در چهار دیوار خانه با همه مشکلات محصور بوده از آغاز صبح الی پایان شب کاری کردند، می تپیدند و درد بیچارگی و ناتوانی و ناداری را بیشتر می چشیدند. به همین علت بیماریها عمر زنان نسبت به مردان کوتاهتر و برخلاف جوامع مرفه اکثر آ زنان پیش از شوهران شان فوت میکردند ولی در مناطق شهر نشین بر عکس آن دیده میشد، چون فشارهای اقتصادی، ناتوانی و بیچارگی بیشتر متوجه مردها بود و ایشان نسبت به خانهای شان کمتر عمر می کردند.

تولد طفل یک محسروبود، دوا و دارو و داکتر وجود نداشت، اکثر دایه های محلی و خانهای کهنسال که تجربه اولاد داری داشتند در تولد طفل همکاری میکردند. بیشتر نوزادان تلف میشدند، مادرها خونریزی زیاد میکردند و حتی بعد از ولادت با حین ولادت فوت می نمودند. به همین لحاظ وقتی موعد زایمان نزدیک میشد همه اعضای خانواده پت و پریشان میشدند و نمیدانستند آن مادر حامله زنده میماند یا فوت میکند؟! غذای کافی نه به مادر میرسید و نه به طفل، بهمین دلیل هر دوی آنها به سوء تغذیه مبتلا میشدند و پستانهای مادران از گرسنگی شیر نمی داشت و اطفال از گرسنگی متواتر گریه میکردند، علیل و رنجور و کم رشد بزرگ میشدند، برای مادرانی که ولادت میکردند غذای می دادند بنام لبتی که هیچ ارزش غذایی نداشت و آنرا آ زرد در روغن سرخ می کردند و بعد گرقندسیاه) و آب در آن افکنده می جوشانده به مادر میدادند. جالبست که این غذایک غذای لوکس حساب شده برای هر مادری میسر نبود! فقط آنها یی که کمی توانایی اقتصادی داشتند و آنها هم برای چند روز محدود میسر بود بقیه همان فقر و بی نوایی و گرسنگی بود. نوزادان که از کمی شیر مادر متواتر گریه میکردند در همان خردسالی فقر و ناداری را با پوست و گوشت لمس میکردند. برای چنین نوزادان چیز دیگری بجز یک غذای ساده که پیاوۀ زوف یاد میشد میسر نبود، این پیاوۀ با کمی روغن یا مسکه که در آن جوشانده میشد بالای آن تخم یک نوع گیاه را که زوف میگفتند انداخته و جوشانده و به طفلی که مادرش کمشیر بود میدادند که از نگاه غذایی ارزشی نداشت و ضروریات نوزاد را برای نشو و نمایش تهیه نمیکرد، فقط معده اش را پر میساخت و بس!

برق تنها در ساحات مرکزی کابل و نواحی مرکزی بعضی شهرها در ولایات بود و در اطراف و نواحی دورتر با بخت برق وجود نداشت. در دهات و قصبات مردم هرگز برق را ندیده بودند و میلیونها تن در همه عمر شان برق را ندیده نمی شناختند! برای اکثریت مطلق نفوس کشور تنها روشنایی آفتاب روشن بود، وقتی شب میشد همه زندگی شان را در تاریکی کامل احتوامی نمود و شبهایی که ماه به چهاردهم میرسید، خوشی فراوانی برایشان بود که حداقل در بیرون منزل کمی روشنایی دارند. درون خانه ها همه تاریک و خاموش بود، تنها آنها بیکه کمی توانگر بودند از تیل سوزانکها استفاده میکردند. در نواحی جنوبی و شرقی کشور در شب برای روشنی منازل از یک نوع چوب که آنرا چراغ چوب می گفتند استفاده میشد. دود تلخ و غلیظ چراغ سوزکها و چراغ چوب همه فضای اتاق را پر میکرد و همه خانواده آنرا تنفس میکردند و سبب ایجاد تکالیف شش و نفس تنگی آنها میشد، سرو صورت اکثریت آنها زرد و پژمرده و آواز ضیق النفس شان متواتر شنیده می شد.

در اطراف بطور عموم پیش از فرارسیدن تاریکی، نان شب را صرف کرده جای خواب خود را هموار میکردند. چون شبهای زمستان طولانی و سرد بود، مردم در بستر خواب خود نشسته در تاریکی گپ زده روی یکدیگر را نمی دیدند! بخاطر دارم وقتی

انجنیر عبدالصبور فروزان استاد بیورستی نیوجرسی

چهره جامعه در عهد سلطنت محمد ظاهر شاه

(به ادامه گذشته)

در حالیکه در طی سلطنت محمد ظاهر شاه، مادران پشتون از بیچارگی و تنگدستی در کوچه های کابل گدایی میکردند، من شاهد آن صحنه های دلخراشی بودم که مادران پشتون با اطفال پت و پریشان شان شامگاهان در قریه ما پیدا میشدند و در پشت هر در فریاد میکشیدند که «دخدای لپاره، وژه یم مرسته و کی» و مردم آنچه در توان داشتند با ایشان کمک میکردند.

دانشمند گرامی پروفیسر داکتر حمید هادی در کتاب شان تحت عنوان «تجاری از افغانستان» که بزبان انگلیسی نگاشته اند، نوشته اند: «ماه مبارک رمضان بود، نزدیک روزه افطار ما در هر نوع غذایی تهیه و به روی دسترخوان گذاشته بود و ما منتظر اذان بودیم، اذان داده شد و میخواستیم افطار کنیم که از پشت در صدا آمد که دخدای لپاره و گه یم. پدرم همه را گفت توقف کنید و ما درم از هر غذایی که بالای دسترخوان بود گرفت، دروازه را باز کرد و آن مادر پشتون را داخل خانه خواست و آن غذا را به او داد و او با اطفال معصومش آنرا صرف کردند و سر خورد رالچ کرد، به اندازه به حق ما دعا کرد که همه را گریه گرفت.»

باید یاد آورد که حکمرانان محمد زایی دیره دونی درز عمیق دشمنی بین پشتونها و تاجیکها، اوزبیکها و هزاره ها نداشتند بودند و تنها چندن تن از خوانین آنها را که خود فروش و مزدور خاندان شده بودند، بخاطر بقای سلطنت ناز و نعمت میدادند، در غیر آن سایر پشتونها بدترین و دلخراش ترین زندگی را داشتند و در تاریکی و عقب ماندگی مطلق نگهداشته شده بودند.

زمستان را مردم به عسرت میگذاشتانند و گرم کردن خانه ها حتی برای شهر نشینان کار سخت و دشواری بود. در اکثریت مناطق شمال و حتی در شهر کابل و نواحی آن مردم از صندلی ها استفاده می کردند. فامیل هایی که وضع زندگی قسماً خوب داشتند از لحاف کلانی که بنام لحاف صندلی یاد میشد، استفاده می نمودند، اما خانواده های بی بضاعت توان داشتن صاف صندلی را نداشتند، بلکه چند لحاف خرد و بزرگ را طوری بالای صندلی می انداختند تا آنرا بکی بیوشانند. در اتاقی که صندلی بود همه اعضای خانواده و حتی مهمانان هم یکجا به دور آن مینشستند. در همان اتاق غذا می خوردند و شب در زیر همان صندلی میخوابیدند. فضای آن اتاق به اندازه سرد بود که از سردی آن لرزه به اندام میافتاد و از شدت سردی انسان به سختی نفس میکشید. بیشتر صندلی هادر نیمه های شب سرد می شدند. چون مردم توان خرید زغال بلوط و خا که بلوط را که از پاکستان میآید نداشتند، از مواد سوختی استفاده می کردند که ارزان بود و آتش دوامدار نداشت، خانواده ها در نیمه شب از سردی صندلی بیدار شده به قسمی در زیر صندلی سرد حوصله می کردند تا اذان صبح داده می شد یا خروسان به بانگ زدن آغاز می کردند. مرد ها چانس خوب داشتند که در همان تاریکی جانب مسجد می رفتند که اکثر تابه خانه داشتند و گرم بودند. ولی زن ها در خانه مانده با سردی صندلی و اتاق می سوختند و می ساختند.

آب گرم برای اکثریت مطلق مردم در ایام زمستان میسر نبود که مشکلات شستشوی بدن و لباس ها را بوجود آورده بود. مرد ها در هنگام ضرورت در زمستان یخ دریا و دریاچه ها را شکسته و سر و جان شان را می شستند و غسل می کردند، یا اینکه در مساجد میرفتند که سقاخانه ها با آب گرم داشتند. ولی خانم های بیچاره هیچ امکانات شستشوی بدن را نداشتند. به همین علت بود که تکالیف های لکه دار و شیوع شیش دانگیر خانم های شد و ایشان به ناراحتی های سروجان مبتلا میشدند، صندلی ها و کالاهارا شپش میزد. این در حالی بود که حکومت محمد ظاهر شاه فی مترمکعب گاز کشورانه تنها کمتر از قیمت یک سیر زغال بلوط پاکستانی به شوری می فروخت بلکه گاز وطن بطور رایگان بی حساب به آن کشور انتقال میشد (میترا های انتقال گاز در خاک شوری و در اختیار آنان بود)، و خانه های مسکو را گرم و مستر یح می ساخت.

در مناطق جنوبی و شرقی وضعیت زندگی بدتر بود، مردم حتی امکان داشتن صندلی راهم نداشتند و اکثریت در یک اتاق در زمستان هم آتش میکردند در آن آتش غذای غریبانه شان را می پختند و همه در آنجا غذا می خوردند و می خوابیدند و برای اینکه مواشی شان از شدت سرما تلف نشوند آنها را نیز در آن اتاق جامیدادند، که دود به اندازه غلیظ میشد که دستکهای سقف را

Maaid Weekly
12286 Ashmont Ct. # 202
Woodbridge, VA 22192 - 7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول: محمد قوی کوشان

سمیر بدرود
کابل
تأملی بر گفته‌های حکمتیار
یکم، بخش زیاد رجز خوانی‌های آقای حکمتیار به مناسبت خروج نیروهای ارتش سرخ از افغانستان متوجه حکومت افغانستان بود. اگر کمی وقت گذاشته و به کود جزا و یا هم نوشته‌های مقامات حکومتی نظر اندازیم، بدون شک گفته‌های دیروزی آقای حکمتیار قابل پی‌گرد قضایی است زیرا تهدید به براندازی حکومت و محاصره ارگ در زمره جرائم علیه امنیت داخلی قرار دارد. هرگاه این گفته‌های حکمتیار بدون پاسخ رسمی باقی بماند، بدون شک صلاحیت حقوقی و اخلاقی اقدام بر علیه علی‌پور که همواره داد دفاع از نظام را میزند، از دست خواهد رفت و همچنان وطنداران ما بیشتر ازین اجازه نخواهند داشت تا با عنوان های چون «مخالقین زبر بیرق» رگ‌های گردن خود را بالای خودی‌ها ببنداند!

دوم، بخش کوچکی از گفتار های دیروز آقای حکمتیار اشاره به مقاومت و مقامت‌گران بر علیه طالبان داشت. حکمتیار پا را فراتر از مرزهای اخلاقی گذاشته و با نام گرفتن از کولاب، مرتکب طعنه قومی نیز شد که در آخر این نوشته پاسخ در خور شان را خواهند گرفت. و اما در صف «مقاومت دوم» چه وضعیتی وجود دارد؟ مقاومت اول ۱۳۸۰–۱۳۷۵ علیه طالبان که به زعامت پروفیسر برهان‌الدین ربانی ورهبری بلامنازع قهرمان مردمی ما، شهیداحمدشاه مسعود رقم زده شد، پس از تحولات بن، مبدل به میراث خانوادگی و گروهی شده است. همین دیروز، در حالی که حکمتیار به عنوان بزرگ‌ترین رقیب شکست خورده جمعیت و مقاومت، بر علیه آنان رجز خوانی داشت، جمعیت اسلامی افغانستان به صورت جداگانه به ریاست صلاح‌الدین ربانی و استاد شاداب، خروج نیروهای ارتش سرخ را تجلیل کرد!

آقایان قانونی و نور در حالی دم از مقاومت دوم و رهبری جمعیت میزنند که اولی در زمان حیات استادربانی فقیدحزب سیاسی راه انداخت و دومی شدیدا درگیر جدال‌های منزلتی با صلاح‌الدین ربانی و دکتر عبدالله عبدالله است. من احترام همه بزرگان سیاسی حوزه مقاومت را دارم اما بدون شک و شبهه سیاست ورزی با روشی که این بزرگواران پیشه کرده اند بیشتر به فکاهه شباهت دارد تا سیاست. در صورت تداوم این وضعیت و رفتار های این چنینی سیاست‌مداران حوزه مقاومت، سخن از «مقاومت دوم» حرف گزافی بیش نخواهد بود. همین حالا صلاح‌الدین ربانی کجاست؟ دکتر عبدالله که شورای مصالحه را به قیمت رای مردم از آن خود کرده است درگیر چه کاری است؟ چرا استاد عطا برای پایین شدن از مرکب شیطان این همه تعلق به خرج میدهد؟ به چه دلیلی جناب قانونی به جای اصلاح و خیراندیشی بر طبل تجزیه جمعیت کوبیده روان است؟ ندای من متوجه پیر و جوانی که متاثر از سیاست‌ورزی این سیاست‌مداران هستند، است و آن این که در قسمت صدور التیماتوم به سیاست‌مداران حوزه مقاومت غرض ساختن جمعیت واحد و یک صدا و به طبع آن بازسازی جبهه مقاومت در کمترین زمان ممکن، تعلق به خرج ندهند. سیل طالب در راه است و اگر وضع به همین منوال پیش برود، همه را خواهد برد! سیاست‌مداران هرگاه در کمترین زمان ممکن به وحدت نرسند، بدانید که دشمنان اصلی مردم ما همین ها هستند و باید از هیچ چیزی در راستای مشروعیت زدایی و خلع حیثیت سیاسی اینها دریغ نشود!

سوم، جناب حکمتیار، همانظوری که در بالا گفتم، شما در گفتار های سیاسی تان هیچ‌گاه و هیچگونه مصلحت هم وطن بودن را رعایت نمی‌کنید. بدون شک اگرشما کمی از میزان جهل و جعل تان میکاستید، یکی از بزرگان مورد احترام همه‌گان بودید که خوشبختانه چنان نیستید. شما محض به دلیل قومی به حاکمیت استاد ربانی نه گفتید و تا آخرین رمق حیات سیاسی /نظامی بر علیه آن جنگیدید و در نهایت با سرافکندگی تسلیم همان حاکمیت شدید. درد شما از دهه هفتاد یعنی از زمانی که آمر صاحب به دهن تان زده و از کابل بیرون تان کرد، میآید. احمد شاه مسعود کسی است که داغ قدم گذاشتن به کابل را در دلت گذاشته است، کابل سر جایش حتی اجازه نداد که از چهار آسیاب یک اینچ پیشتر بیایی. وقتی در گفتار های سیاسی صحبت از کولاب میکنید، بدون شک منظور تان طعنه قومی است اما بدانید و آگاه باشید که همان کولاب رفتگی‌ها و یا به باور شما «کولابی‌ها» بازهم در همین کابل، یکبار دیگر مانند سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲ چنان روزگاری بر سرت خواهند آورد که در «مأوای اصلی تان» نیز جایی نخواهی یافت. فقط انتظار شمارش معکوس فرارسیدن چنین روزی را داشته باش!

این نوشته را با سخن معروفی از آمر صاحب در مورد حکمتیار به پایان می‌رسانم و آن اینکه درجریان سفراروپا، درجلسه گفتگو باهموظنان مقیم خارج، کسی از آمرصاحب می‌پرسد که: گفته میشود حکمتیار درحال پیوستن با طالبان است، دراین مورد چه نظر دارید؟آمرصاحب پاسخ میدهد:درین موردنظری ندارم چه ازحکمتیار هرائنتظاری را می‌توان داشت، اماگفتنی ام همینقدر

رحیم شنسب
دالاس ، تکساس
از بدخشن تا مصر در شش هزار سل پیش
این عنوانی ازفصل کتابیست که اخیرا به رشتهٔ تحریردرآورده ام، کتاب (از کابل تا قاهره نام دارد) این رساله سفرنامه ایست از زمان تحصیل دراکادمی پولیه س قاهره، برداشتهای این سفرنه تنهامنحصربه شرایط دانش آموزی و دستگاه امنیتی مصر، بلکهازاوضاع وطن ماقبل ازحرکت وسوابق

تاریخی وسیاسی دوکشورباتوضیحاتیازمهمترین اماکن تاریخی مصر، رابطهٔ لاجورد افغانستان با تزئینات اثار فراعنهدرشش هزارسال قبل، سفرنامه هزارسال قبل حکیم ناصرخسرو بلخی به قاهره،سید ج مال‌الدین افغانی و نقش او در تاریخ معاصر مصر، انعکاس امواج اسلام سیاسی و عقیدتی از قاهره به کابل ، محصلین افغانی در قاهره، جنگ های ۱۹۶۷و۱۹۷۳اعراب و اسرائیل، از ناصر وسادات، با زدید جبهات جنگ، لبنانسوریه، موسیقی وفرهنگ عربی، اهراما ت وفراعنه مصروسایرمسائل تاریخی،سیاسی و فرهنگی را بیشتر ؛ ه شکل تاریخ شفاهی به نگارش آمده است . مورد صدوره،اهمیت ،استفاده و تقدس نگری لاجوردافغانستان نزد فراعنه و مصری ها ، در این فصل چنین تذکار بعمل آمده است :

تزئین سنگ یگانه و کمیاب لاجورد بدخشان در ساختار زبورات و تابوت هایفراعنه:سنگ لاجورد LapisLazuliیکی از پرطرفدار ترین سنگ ها در دوران باستان بوده که نماد دانش و خرد، الهام بخش و دارای قدرت برای تعالی روانبوده است. به نظرمی رسد که نخستین سنگ استخراج شده توسط بشرهمین لاجورد بوده است که در فرهنگ های باستانی در ساختن مجسمه ها، دسته های خنجر و طلسم بکار رفته است یگانه معدن این سنگ ها هم در بدخشان بوده است این سنگ از راه های صعب العبور خراسان به بین‌النهرین و تا به مصر انتقال داده می شد. همچنان در پنج هزار سال قبل در قبرهای پادشاهان (اور) و در ساخت پیکره های جانوران و انسان، تزئین رنگ چشم ترصیع (سرمه کاری) ابرو وریش، شاخ جانوران و تزئین تابوت های فراعنه بهکثرت وجود داشته است . در مصر باستان هیچ سنگ قیمتی بیشتر از لاجوردرزش واهمیت نداشت. حفاری های قدیمی ترین سلسله مصریان در ۳۳۰۰سال قبل از میلاد بیانگر اولین موارد استفاده مصریان از لاجورد به عنوان سنگ زینتی در جواهرات است. مارکوپولو درسال ۱۲۷۱میلادی مقدار لاجورد بدخشان را به اروپا برد.

لاجورد صیقل خورده با دانه های پیریت درون آن که مانند براده طلا در لاجورد اصل وجود دارد درمشرق زمین به آسمان پرستاره تشبیه شده است به قول انتیک نیوزاستخراج این سنگ پیش از ۶۵۰۰سال دربدخشان (افغانستان) رواج داشته، کیفیت ومقاوم ادبیر افغانستان بی نظیراست ویک گنج جهانی محسوب میشود.گفته شد ه که دراین اواخراین سنگ درشهر سانتیاگو در چیلی هم دستیاب شده که کیفیت آن نامرغوب است.

فاصله بدخشان تا مصر بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر است این

سنگ آبی مورد علاقه مصریان بوده و تجارت آن سابقه شش هزار ساله دارد مصریان قدیم به این سنگ گرانبها ماهیت ما وراءالطبیعی قابل بودند از نظر کشیشان مسیحی، لاجور باعث بالارفتن توانائی روحی و احساس یگانگی و درک بیشتر است معادن لاجورد در هفتاد کیلومتری جنوب فیض آبادبدخشان درارتفاع سه هزار و هفتصد تا چهارهزار و سه صد متری از سطح بحر قرار دارد متاسفانه تا امروز لاجورد از بدخشان بشکل غیرفنی و آنهم بشکل قاچاق استخراج می شود. نام لاجورد از واژه (لاژورد) زبان قدیم محلی بدخشان گرفته شده و لاجورد معرب آنست با داشتن رنگ زیبای آبی آسمانی ویانیلی اطلاق به آب دریای نیل مصر، رنگ دریاها و رنگ آسمانها وموجودیت ذرات طلائی رنگ باآن مظهر آسمان نیله گون و درخشش ستاره های آنست.سنگ لاژورد تجسم مادی و

زمینی رنگ آسمان بوده است ومصری هاتوته سنگ لاژورد خصوصاً باداشتن ذرات طلائی رنگ، آنرا تکه‌ه از آسمان پرستاره و سمبول آسمان می دانستندوحتی آنراسنگ خدایان می شمردند مصری هاطلسم چشم خدای آفتاب را از لاجورد ساخته بودند. و معتقد بودند که گذاشتن آن در کنار اموات ومومیایی ازمرده حمایت وحفاظت کرده و ارواح خبیثه وشیطان رادفع می کندو علاوه‌تأ موم یائی می تواند در دنیای دیگر دوباره چشم باز کندو ببیند. طلسمنو ع (سوسک) یا Scarab که ما آنرا به نام (فالینک) یاد می کنیم از سنگ لاجورد ساخته میشود و در داخل کفن مومیایی بروی قلب مرده میگذاشتند تا قلب مرده در روز قضاوت نهائی (آخرت) علیه او شهادت ندهد.

در (پاپیروس ابرس) آمده است که این سنگ، دیدچشم را افزایش میدهد ازین سنگ برای تزئین وزبور بشکل گردنبند *****

است که هرگاه طالبان دریکسال شکست خوردنی باشند، بایوستن حکمتیار، در شش‌ماه شکست خواهند خورد! (نقل از فیسیبوک نویسنده)

استفاده می شد و کلویاترا ملکه مصری از پودر لاجورد بدخشان ؛ ه عنوان سایه چشم استفاده میکرد. حتی گردنبندهای لاجورد بدخشان قبل ازسلسله فرعونها کشف وبدست آمده است به اساس تحقیقات باستانشناس معروف (میشل کازانو) اینهمه لاجورد واستفاده وسیع آن درتزئینات، اززیورات وطلسمات فراعنه ازمنبع ومعدن بنگالانگه

جهانواقع بدخشان درشش هزارسال قبل مروج بوده است .این سنگ قیمتی ومقدس قرن ها قبل راه بطرف مصر وافریقا باز کرده بود .حتی برای مداومت ارسال لاجورد فرستاده ونماینده های خاص خود را اعزام میکردند وخواش و تمنای ارسال این سنگ مقدس رامیکردند. بعدازین شش هزار و سه صد سال به این طرف هنوز هم قدر داشته های گران بهای خود را نمی دانیم و از اهمیت این سنگ وقدامت تاریخی آن حتی بی‌خبریم.

از صد ها قلم معادن قیمتی این کشور فقیر یکی هم لاجورد است .با تاسف که کنون منبع عاید بزرگ قاچاقیران ، جنگ سالاران و طالبان است .مردم فقیر افغانستان ملیون ها دالر از عاید استخراج غیر قانونی لاجورد کشور شانرا از دست میدهند منجمله معادن کران و منجان لاجورد در بدخشان توسط طالبان حراست وعواید آنرا بدست می آوردند . تا کنون معادن مس،آهن، جست، سیمآب،خاک های نادر ،یاقوت، زمرد،طلا،نقره، لعل، عقیق،فیروزه، کرومیت،پترولیوم،تیتانیوم ،اورانیوم ولیتیوم وغیره بشکل ابتدائی سروی و موجودیت حدوداً سه تریلیون ارزش آن برآورد شده است که ۱۴۰۰ نوع منیرال ،سنگها و مواد معدنی را دربرمی گیرد .عکس برداری های لیزری ناسا از امریکا در افغانستان ۲۸۶ معدن فلزات و ۲۴۰ نوع سنگ را تخمین کرده اند.

احصائیه های پنج سال قبل استخراج غیر قانونی لاجورد را درسال به ۵۵۰۰ تن نشان میدهد که هر کیلو بین دو تا چهارهزار دالر به فروش میرسد .قاچاق لاجورد همه وقته به صوب پشاور و مناطق پاکستان واز آنجا به دبی،هند وحالا بیشترین به کشور چین و سایر کشور ها جریان دارد.

تخمین زده شده که اگر لاجورد بشکل قانونی استخراج شود سالانه ۱۶۰ ملیون دالر به عواید کشور افزوده می شود .همین اکنون بغیر از عوایدی که به استخراج کنندگان ،تاجران و فروشندگان تعلق می گیرد سالانه طالبان بیست ملیون دالر ازین رهگذر مالک می شوند .

حالاشما حدس بزنید که از هزاران معضله‌ه که در نتیجه شرایط اجتماعی ، اقتصادی،سیاسی،مذهبی ،زبانی و سمتی در کشور وجود دارد این دردها زخم ناسوری را می مانند که بهبود ان نا امید کننده است .شما کشوری را در کرهء زمین سراغ ندارید که مثل افغانستان مشکلات، مصیبت ها ،آفات و بلییات عدیدهء دامنگیرش باشد.

چنانچه داشته های آن مثال لاجورد هم به مصیبت های کشور از درک قاچاق،اعمال قدرت زورمندان و باجگیری طالبان مانع شرایط می شود که کشور به طرف صلح و امنیت برود . بنأ همه جناح ها به دوام جنگ و حفظ شرایط کنونی کوشا اند .

این داستان هم در مورد داشته های ما بود که در فصل دهم کتاب تذکر یافته به نگارش آمده است .۱۶/۲/۲۰۲۱

چهرهٔ جامعه در عهد سلطنت ...

که ماههاوحتی یک سال در آن ساقی خانه ها بود و باش داشتند . داستان غم انگیزیک جوان اروپایی که به امش موریس معروف شده بود، یک جوان تحصیلکرده که پس ازتحصیل برای سپری کردن ماه عسل با معشوقه اش به افغانستان آمد.

او در مهمان خانه های شهرنو با خارجی های دیگر که چرس می کشیدند نشست و برخاست پیدا کرد و در کشیدن چرس چنان غرق شد که همه چیز را فراموش نمود. معشوقه اش رهایش کرد، پدر و مادرش پریشان شدند که موریس برای چندین ماه سر و درکش پیدانشده واحوالی نداده است.

سرانجام آنان برای یافتن فرزند سفر می کنند و مسیر سفرش را که از طریق ترکیه وایران به افغانستان می باشد، تعقیب کردند ، پس از پرسش زیاد دریافتند که موریس به افغانستان رفته، و بعد از جستجو در کابل آگاه می شوندکه موریس به هلمندرفته ، آنان هم به هلمندرفته و فرزندشان را با حالت ژولیده، چرک آلود و از خود رفته در یکی از ساقی خانه ها پیدا می کنند... /(ادامه دارد)

رباعی زیبا از حضرت حافظ شیراز

جز نقش تو در نظر نیامد ما را

جز کوی تو رهگذر نیامد ما را

خواب ارچه خوش آمدهمه رادرعهدت

حقا که به چشم در نیامد ما را



صفحاتی از زندگیم در وصلت و در هجرت (۲)

روزهای اول زندگی : قرار بیانات مادر عزیزم، روز جمعه بود که من پس از نه ماه ونه روز حیات ییسروصدای داخل رحمی، به این جهان پرماجرا و آکنده از روشنها و تاریکیها و ابهام چشم کشودم . البته بنده مانند شما و تمام مردم دیگر از آن روزهای پرحادثه چیزی بخاطر ندارم، تنها کسی که ادعا می کند اکثر حوادث لحظات تولد خود را بیاد دارد، (پاپلو پیکاسو) نقاش و رسام کیوبیسم است که می گوید در اتفاقی که به دنیا آمد، ازدحام و سر صدا زیاد بود و دود سگرت یکی از حاضرین سخت اذیتش می کرد...! اما بگمان اغلب پیکاسو درین قصه خودمبالغه کرده و کمتر کسی حرفهای او را باور خواهد کرد...

بهر حال، هویدا است که درین روز فرخنده فامیلی، اولین تنفسم با گریه توأم بوده است . حالا اگر بخواهید این گریه نخستین و سر آغاز زندگی را از نقطه نظر طبابت بشما توضیح بدهم، سبب اصلی آن همان دردهای است که ششهای ما هنگام اولین شهبق هستی احساس میکنند، اما شاید در پهلوی این حقیقت طبی، بعضی مسایل غامض دیگر نیز موجود باشد... مثلاً ممکست انسان نوزاد و نوپیدا هیچگاه خوش و راضی نباشد که آن محل و جایگاه آسوده و آرام و مرفه داخل بطن مادر خود را یکباره ترک بگوید و ناگهان زندگی پر نشیب و فرازی را که سر انجام آن برایش معلوم نیست و (تا گریه نکند کسی شیرش ندهد...) استقبال نماید و از بهشت پراز نعمتهای رایگان تبعید گردد!

راستی در آن روزگار برای زنان حامله در وقت ولادت طفل شان، شفاخانه یا زایشگاه میسر نبود و دایه های فامیلی و یایکی از خانهای اقارب دور و پیش یا همسایگان، کارهای ولادت نوزاد را سر برآوردند، و چه بسا اوقات که طفل در اثر عدم تدابیر و قویوی لازمه، مواجه به جراثیم و میکروبهای مضره میشد یا اعضایش صدمه میدید. بهمین اساس در ماههای اول عمرم بود که بگفته مادرم سخت مریض و نارام شدم و مدت سه هفته جز گریه و نالش، کدام لحظه فرح بخش نداشتم. در آن ایام بخاطر هیچیک این فکر خطور نمی کرد که مرابری معالجه نزددا کتر ببرند و عقیده بر این بود که اصلاً دا کترهائی توانند مرض طفل نوزاد را تشخیص و تدای کنند! لهذا انواع ادویه خانگی و جوشانده ها و روغن های مالشی را که سراغ داشتند، از تطبیق بجان من دریغ نکردند و شاید تا یک مدت طولانی یک سلسله تاثیرات سوء ادویه مذکور و حالت پراز درد و نارامی های آن ایام در اعضا و شعایریم باقی مانده باشد. بهر حال، مریضم چندین هفته ادامه یافت تا بالاخر مرد پر هیز گاری رابه بالینم آوردند و بعد از دم و دعای او حالتم روبه بهبودی رفت و شفا یافتم .

ولی کمبود شیر مادر و سوء تغذی گاهگاهی طوری مرا زجر میداد و نارام می ساخت و به گریه می آورد که فکر میکردم باز مریض شده ام. روزهایی که مادرم نظربه بعضی معاذیر اقتصادی غذای کافی و مقوی نمی خورد، شیر اونیز کمبودی میکرد و من گرسنه میماندم و چه بسا شهبایی که بهمین مناسبت بیخواب و نارام میشدم و مادرم نیز به بالینم بیدار می ماند. دیگری نگذشت که مادر دومی یعنی همسر دومی پدرم نیز وارد فامیل گردید، و این تحول جدید علاوه بر تاثیرات روانی و احساسی که بر مادرم وارد آورد، بر مشکلات اقتصادی روزمره و تهیه مایحتاج ما که تنها معاش ما هواری پدر عزیزم جوابگوی آن بود، فشار و سنگینی بیشتر را وارد نمود، ولی از نقطه نظر روابط اطفال و افراد فامیل، با وجود بعضی کشیدگیها و عدم توافقی که بین هردو خانم (سابقه و جدید) رخ میداد، پدرم باتدبیر و توجه مزید سعی میکرد مرا و تمام محکم فامیلی برهم نخورد و کار رابه جدایی هانکشاند و علایق خواهران و برادران چه سکه و چه اندر، در هردو بخش فامیل در فضای صلح حتی الامکان صمیمی و دوستانه و بدون خصومت هاباقی بماند .

به اساس همین تدابیر و روش مدیرانه بود که هیچنوع عداوت و خصومتی در جریان روزمره فامیل رخنه نکرد و تا امروز عین صمیمیت و مراودات دوستانه و خودمانی بین خواهران و برادران سکه و اندر بدون خصومت و باکمال محبت و خلوصیت برقرار و استوار مانده و محبت و شفقت مادران در عزیزم در دیار هجرت، پس از وفات غم انگیز مادر سکه ام که چندماه بعد از هجرت و دوری و جدایی ام از وطن عزیز در سال ۱۹۸۲ بوقوع رسید، باعث تقویة روحی من گردید.

نا گفته نماند که در همین چند سالی که گذشت، پدر عزیزم و عالم و مدبر و رهنمای زندگیم و یک خواهر اندر عزیزم و یک برادر سکه عزیزم و اخیراً همسر مهر بانم بی بی فاطمه جان لطیفی چشم از جهان بستند و بر غم های بی پایان هجرت افزودند. البته رویدادها و وقایع بوقلمون دیگر دوره هجرت را در آینده این یادداشتها بشما خواهم نوشت. / (ادامه دارد)

نامه بارنت رویین به طالبان

طالبان محترم،

در این سه سالی که از نامه سرگشاده شما به مردم امریکا (در ۱۴ فیوروری ۲۰۱۸) و سپس پاسخ من به شما (در نامه سرگشاده در نیویورک در ۲۷ فیوروری ۲۰۱۸) می گذرد، بسیاری از مسائل تغییر کرده اند. در ۲۹ فیوروری ۲۰۲۰، تقریباً دو سال پس از نامه من، ایالات متحده و طالبان «موافقت نامه آوردن صلح به افغانستان» را امضا کردند. در همان روز ایالات متحده اعلامیه مشترکی را با حکومت افغانستان امضا و تعهدش به صلح و ثبات در این کشور را نیز ابراز کرد. گفت و گوها بین طالبان و سایر افغانها به شمول حکومت افغانستان، قرار بود ده روز پس از امضای موافقت نامه ایالات متحده-طالبان آغاز شود، اما تأخیر در آزادی زندانیان طالبان از زندانهای حکومت افغانستان، جدول زمانی را عقب انداخت و گفت و گوها شش ماه دیرتر از موعد برنامه ریزی شده، در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰ آغاز شد.

در نتیجه، جدول زمانی مندرج در توافق نامه برای مذاکره بر سر نقشه راه سیاسی و آتش بس در افغانستان مختل شد. این توافق نامه چهارده ماه را برای مذاکره قبل از خروج کامل ایالات متحده از افغانستان که مهلت آن اول ماه می تعیین شده است، پیش بینی کرده بود، اما عملاً فقط هشت ماه زمان برای مذاکرات باقی مانده بود.

چندین تمهد ایالات متحده که بر اساس جدول زمانی اصلی برای مذاکرات برنامه ریزی شده بود، از جمله آزادی زندانیان بیشتر و بازنگری تحریم ها، نیز در حاشیه قرار گرفتند. خشونت افزایش یافته است و مذاکره کنندگان شما در دوحه از دیدار با مذاکره کنندگان جمهوری اسلامی تا زمانیکه دولت بایدن در مورد پایبندی اش به توافق نامه دوحه، به ویژه خروج نیروها و مهلت آن، وضاحت نداده باشد، امتناع می ورزند.

خشونت در افغانستان اکنون موجی از کشتارهای هدفمند روزنامه نگاران و فعالان جامعه مدنی را نیز در بر می گیرد. اکنون فقط افغانها کشته می شوند و ترس از عواقب این مذاکرات در حال افزایش است. در دوره دولت قبلی ایالات متحده، مردم اغلب شوخی میکردند که مذاکرات را «توییت داموکلس» از کاخ سفید تهدید می کند. اکنون به نظر می رسد کل روند به تارمویی بند است.

رییس جمهور بایدن گفت تلاش اصلی ایالات متحده، تلاش دیپلماتیک خواهد بود. در تاریخ ۲۸ جنوری امسال، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده با اشرف غنی، رییس جمهور افغانستان تماس گرفت و به او گفت که «ایالات متحده توافق نامه فیوروری ۲۰۲۰ امریکا و طالبان را بازنگری می کند» و می بیند که آیا «طالبان به تعهدات شان به قطع رابطه با گروههای تروریستی، کاهش خشونت در افغانستان و نیز انجام مذاکرات معنادار با حکومت افغانستان و سایر ذینفعان عمل می کنند یا خیر.»

ایالات متحده در این توافق نامه متعهد شده که تمام نیروهایش را از افغانستان تا اول ماه می ۲۰۲۱، که برابر است با صد روز پس از تحلیف رییس جمهور بایدن، خارج خواهد کرد، اما در این توافق نامه همچنین آمده است که همه تعهدات ذکر شده توسط وزیر بلینکن «به هم مرتبط اند.»

رییس جمهور غنی یک روز پس از صحبتش با وزیر بلینکن، از ایالات متحده خواست «موضع بسیار محکمی درباره رویکرد مبتنی بر شرایط» برای اجرای توافق نامه دوحه داشته باشد. گزارش روتیرز به نقل از چهار منبع ناشناس در ناتو ادعا کرد که برخی از اعضای ناتو ممکن است حتا پس از خروج امریکا از افغانستان نیروهاشان را در این کشور نگه دارند.

ممکن است اینکه می گویم هیچ اطلاعاتی درباره این «بازنگری سیاست» ندارم شما را مأیوس کند. برخی اشخاص در دولت از من سوالاتی می پرسند، اما به سوالات من پاسخ نمی دهند. با این حال، من درباره چگونگی چنین بحثهایی درون حکومت ایالات متحده ایده هایی دارم.

من مطمئن هستم که دولت بایدن در خصوص پایبندی به مهلت اول ماه می برای تکمیل خروج نیروهایش از افغانستان، همان طور که «گروه مطالعه افغانستان» توصیه کرده است، یک جانبه تصمیم نخواهد گرفت. تصمیم یک جانبه به معنای خروج از توافق نامه دوحه خواهد بود و خیلی شبیه خروج اداره ترمپ از برجام با ایران خواهد بود. رییس جمهور بایدن نمی خواهد سربازان امریکایی را در افغانستان نگه دارد، اما دولتش می خواهد توافق نامه دوحه را به گونه ای اجرا کند که به هر چهار هدفش، همان طور که توسط وزیر بلینکن ذکر شد، دست یابد. این اهداف عبارت اند از: خروج نیروها، تضمین های ضد تروریسم، توافق سیاسی و آتش بس جامع .

وقتی دولت بایدن می گوید این توافق نامه را «بازنگری»

می کند، منظورش این نیست که دارد تصمیم می گیرد که به آن پایبند بماند یا خیر. اداره جدید نیاز دارد متن توافق نامه و همچنین ضمایم محرمانه را (که من شخصا ندیده ام) و نیز یادداشت های دیپلماتیک از بحث های دولت پیشین با طالبان، حکومت افغانستان، پاکستان و دیگران را مطالعه کند. گذشته از همه همسایگان افغانستان مانند چین، روسیه، هند، پاکستان و ایران، همه کشورهایی اند که به دلایل فراوان در صدر آجندای سیاست خارجی ایالات متحده قرار دارند.

همان طور که اشاره کردم، متأسفانه توافق نامه دوحه طبق جدول زمانی اش در حال اجرا نیست. ایالات متحده در توافق نامه متعهد شد که طی ۱۰ روز پس از امضای توافق نامه، زندانیان طالبان را که در بازداشت حکومت افغانستان به سر می برند، حکومتی که شما از دیدار با آن خودداری کردید، آزاد کند. مذاکرات بین طالبان و حامیان جمهوری اسلامی افغانستان، از جمله حکومت این کشور، قرار بود در همان زمان آغاز شود. آزادی زندانیان و شروع گفت و گوها، به دلیل نگرانی های حکومت افغانستان، به جای ۱۰ روز شش ماه عقب افتاد و سایر مواردی که زمان بندی شان با آغاز مذاکرات مرتبط بود نیز به تأخیر افتاد. این موارد شامل آزادی زندانیان باقی مانده طالبان و ارزیابی تحریم ها علیه طالبان بود.

در این توافق نامه آمده است: «چهار بخش فوق با هم مرتبط و باهم وابسته هستند و هر یک مطابق جدول زمانی توافق شده و شرایط توافق شده تطبیق خواهد شد.» این توافق نمی گوید که «شرایط توافق شده» چیست. برخی از این شرایط توافق شده ممکن است به ارتباط متقابل زمان بندی بخش های مختلف توافق نامه مربوط باشد. سایر شرایط توافق شده ممکن است شامل تعهداتی باشد که هر یک از طرفین به جانب مقابل متعهد شده و در متن عمومی توافق نامه گنجانده نشده است.

اداره بایدن ممکن است درباره ابهامات این توافق نامه وضاحت بگوید. طالبان در توافق نامه وعده داده اند که به القاعده و سایر گروه های تروریستی اجازه ندهند از خاک افغانستان برای برنامه ریزی حملات شان علیه سایر کشورها استفاده کنند. طالبان همچنین قول دادند که «پیام واضحی خواهد داشت که آنهایی که برای امنیت ایالات متحده تهدید محسوب می شوند در افغانستان جای ندارند و به اعضای امارت اسلامی - که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود - هدایت خواهد داد که با گروه ها یا افرادی که امنیت ایالات متحده و متحدانش را تهدید می کنند، همکاری نکنند.» «طالبان متعهد شده اند که از چنین گروه هایی «میزبانی» نکنند و جلو سرباز گیری، آموزش و جمع آوری کمک مالی برای چنین گروه هایی را بگیرند.

این توافق نامه طالبان را ملزم به «قطع روابط» با القاعده نمی کند، اما از آن ها می خواهد که به القاعده بگویند که «در افغانستان جایی ندارند» و طالبان از آنها «میزبانی» نخواهد کرد. این موارد در کنار هم بیانگر اینست که همه اعضای القاعده مناطق تحت کنترل طالبان در افغانستان را ترک خواهند کرد. گفته می شود شواهدی وجود دارد که طالبان دست کم به «میزبانی» شان از اعضای القاعده، هر چند این گروه در حال حاضر تهدید مستقیمی برای امنیت ایالات متحده از خاک افغانستان خلق نمی کند، ادامه داده اند.

در این توافق نامه زمان اجرای اقدامات ضد تروریستی طالبان نیز نامشخص است. برداشت ایالات متحده اینست که این تعهدات از زمان امضای توافق نامه اجرایی هستند. شما ادعا کرده اید که طالبان فکر می کنند که تنها زمانی ملزم به اجرای تعهداتش خواهد بود که ایالات متحده تعهدات خودش از قبیل آزادی زندانیان، نرم کردن تحریم ها و خارج کردن تمام نیروهایش را انجام داده باشد. طالبان همانند ایالات متحده معتقدند که تعهد آن ها به اجرای تعهدات شان طبق توافق نامه «مبتنی بر شرایط» است. برخی مذاکرات اضافی ممکن است برای بازگرداندن توالی مورد نظر رویدادها و اطمینان از این که هردو طرف درک مشترکی از روابط متقابل تعهدات و زمان بندی اجرای آن داشته باشند، لازم باشد.

مسأله به اصطلاح «کاهش خشونت» به یک مشکل جدی تبدیل شده است. در متن علنی توافق نامه دوحه فقط گفته شده که وقتی طالبان و جمهوری اسلامی به توافق رسیدند، آتش بس و نیز نقشه راه سیاسی آینده افغانستان اعلام خواهد شد. ظاهراً طالبان در ضمایم محرمانه توافق نامه و همچنین تعهدات شفاهی نمایندگان طالبان، وعده داده اند که علاوه بر رعایت آتش بس با ایالات متحده، محدودیت های خاصی را در اقدامات تهاجمی شان نیز اعمال می کنند. گفته می شود که از جمله این محدودیت ها، یکی هم توقف حملات موتوربمب و انتحاری در مراکز شهری کلان است. و راستش به نظر می رسد طالبان پس از آن چنین حملاتی را انجام نداده اند و ظاهراً آنچه اتفاق افتاده است، (دنباله در صفحه هشت)

بارک اوباما رئیس جمهور سابق امریکا در واکنش به اتفاقات رخ داده در کانگرس و یورش طرفداران ترمپ ضمن آنکه آن یورش رامحکوم نمود، گفت این خشونت‌ناهیجه اقدامات تحریک آمیز و خلافکاری های ترمپ است و مایه شرمساری ملت ها می باشد. نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان با رئیس ستاد ارتش صحبت نمود تا مطمئن شود ترمپ که بگفته او رئیس جمهور نامتعادل است، نتواند در مدت باقیمانده از عمر دولتش جنگی براه بیندازد، در پی اعتراضها شوارتزنگر مشهور به آقای عضلات جهان، بازیگر هالیوود و گورنر سابق کالیفورنیا گفت ترمپ میخواست بامعکوس نشان دادن و گمراه کردن مردم، بادروغ کودتا کند. او گفت چون متولد سال ۱۹۴۷ در اتریش می باشد روزهای باقی مانده ناشی از جنگ جهانی دوم را یاد می نماید که: پدر من و همسایگان منیز در آلمان بادروغ فریب خوردند و من میدانم که چنین دروغ هایی میتواند به کجا منجر شود. شوارتزنگر افزود ترمپ به اعضای حزبی شلاق میزند و برخی از هم حزبی هایش را بی ستون فقرات و همدست خود در آنچه در طوفان پایتخت رخ داد، مینامد و میگوید ما نمایندگان مردم که با دروغ گویی های ترمپ همراه بودند چه کاری کنیم؟ و آنگاه بانقل قول از رئیس جمهور روزولت فقید گفت: یک وطن دوست از کشور حمایت میکند نه از رئیس جمهور!

اکنون که برابر انگلستان دستهایم در زمان تحریر این مقاله به ختم دوره ترمپ باقی مانده، کنگره امریکا طرح استیضاح دوم او را مطرح کرده و خواهان برکناری او بخاطر (تحریرک به شورش) شده و از مایک پنس معاون ترمپ خواسته که با اعمال متمم ۲۵ قانون اساسی ایالات متحده وارد عمل شود. مجلس نمایندگان باتصویب قطعنامه غیرالزام آور، بطور رسمی از مایک پنس خواست این اصل را اجرا کند. در این قطعنامه که با ۲۲۳ رای موافق دموکراتها در مقابل ۲۰۵ رای مخالف جمهوریخواهان مطرح شده از مایک پنس خواسته اعلام کند رئیس جمهور قادر نیست وظایفش را انجام دهد.

طرح به دادگاه کشاندن ترمپ در حالی مطرح شد، که خواهان این کار برای زلمی خلیلیزادینیز بود، زیرا هر دو در پی معکوس ساختن نتایج عادلانه انتخابات ریاست جمهوری بودند و هستند. در حالیکه در دیگر مذاکرات صلح در دوحه پایتخت قطر از سر گرفته شده، که خلیلیزادینیز با دیگر باگپهای ضد و نقیض و با سفرها و دید و وادیده پلانیهای نااعلامانه و نااعلامانه دیگر راهمان طوریکه از کنفرانس بن براه انداخته تا بحال باهمان خط و نشان ادامه داده روان است.

این در حالیکه که موضوع حکومت موقت یاعبوری و انتقالی هم مطرح است، و غنی احمدزی میگوید که گویا از اصل جمهوریست نمی گذرد، و بهمین خاطر محمد محقق رامشاور سیاسی و امنیتی خود ساخته و راحله دوستم را سناتور.

غنی احمدزی میگوید قدرت را در ختم پنج سال به جانشین (انتخابی) بعدی واگذار میکند و بس، در حالیکه سلسله ترورها و فرار جوانها و عدم ثبات و امنیت چالش عمده و اساسی می باشد. در دوحه از محو خشونت و آتش بس خیری و حرفی نیست، تازه گفته شده به ادامه فرارها بابکس های پراز دالترتازه راشد طوطاخیل رئیس عمومی زندانها پنج ملیون دالر فرار کرده و غنی احمدزی جنرال ریاض رئیس تیم امنیتی خود را در ک اقدام غیر مترقبه بحیث قوماندان عمومی میدان هوایی کابل مقرر کرده و تحلیل هاینزبر محور این میچرخد که با تجربه از زمان پلان صلح زمان داکتر نجیب الله، غنی احمدزی هم راه فرار را به طرف میدان هوایی کابل بیمه نموده باشد!!!

این در حالیکه که در همین تازگیها سخنگوی هیئت طالبان در دوحه داکتر نعیم گفت طالبان بخاطر رسیدن به دوحه طی دوده اخیر در افغانستان رزمیده اند که عبارت از (استقلال) کشور و ایجاد (نظام اسلامی) است. شورای مصالحه هر چند ظاهراً در تیم جمهوریخواه می باشد، اما در اصل بسیاری شان خواهان (حکومت مؤقت) اند، و بعضی ها باگپهای ضد و نقیض شان خواهان رهاساختن بعضی مناطق به طالبان می باشند.

به این حساب در جغرافیای کشور، جغرافیای دیگری را به طالب سپردن، در اصل شعبه از تجزیه نوبنی از تجزیه ها پنداشته می شود، و طرح های آن هم همان هایی اند که (شب های جمعه) آنطرف خط دیورند می روند و کت کت شان یکجا و تخم دادن شان جای دیگر است! و محکوم و منفور مردم و تاریخ کشور افغانستان می باشند:

خنده گفتار هادر بیشه بی تعبیر نیست

اشک های جاری تمساح بی تعبیر نیست!

مالکوم ایکس گفت مهم اینست که مقصد حق باشد و بیاید، من طرف حقیقت و طرف عدالت هستم. همه روزنامه نگارهای گرامی و اهل مطبوعات عالیقدر و همه مردم شریف کشور خواهان صلح واقعی و شعار انسانم آرزوست می باشند. درباره انسانم آرزوست، در مقال و مجال دیگر انشاء الله خواهم نوشت. /

لیدر شپ، اتوریته... اینکه بعضی ها تازه ادعا میدارند که گویا اشرف غنی ثابت ساخته که در این مملکت نه رهبری است و نه رأی ملیونی! نه امپراتور و نه حزب و حرکت و ائتلاف، و همه چیز بایک فرمان و یک مکتوب حل و خاموش میشود که مثالهای زیادی از آن موجود است. اما اساساً این مشکل از سالهای اخیر نیست بلکه سرخ آن به سالها و حتی سده ها بر میگردد، که من درین یاد داشت نمی توانم آنرا سبک و سنگین نمایم، اگر چه راه دشوار است و منزل دور و شب دریش، اما به مقصد میرسد، باتصمیم قاطعی که ما داریم.

ای صلح و آزادی کجایی که حضورت هیچ نوری نیست در ایوان ما! روز نامه نگاری تطبیقی و مقایسوی بخشی از دانش تخصصی علم و فن ژورنالیسم را احتوا میکند و مستلزم سماجت، علمیت، جسارت، لیاقت و اصالت و وضاحت می باشد، تا برای تحقق عدالت و چیره شدن تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز در بین انبای بشر نوشت و بحث نمود. تا شعار انسانم آرزوست محقق گردد. روزنامه نگاری مکتبی و حرفوی جرم نیست، علم است، فن است، یک داعیه و یک وجیهه و وظیفه است. تشخیص و تثبیت واقعتهای عینی و واقعی جامعه و جهان از اولویتهای ارزنده و برارنده مکتب روزنامه نگاری فروزنده ارزنده محسوب میگردد. هر چند که هنوز که هنوز است کار روزنامه نگاری و دنیای رسانه با فراز و فرودهای زیادی توأم می باشد، و راه رفتن روی میله داغ و قوغم آتش رامی ماند. وقتی تابوشکنی کنی و راه رفتن روی میله را فرا بگیری و اصل اصیل ارکان اساسی و اصولی نامه نگاری مسلکی را بدانی، می نویسی، می گویی و وضاحت میدهی و عدالت میخوای، و لو روز تار و زگو شها را پنبه زده باشند، ولی بالاخره طنین این صداها و فریادها به یک رستاخیز ملی و عمومی مبدل میشود، و اساس یک انقلاب مخملین را فراهم میسازد.

من از جناب پروفیسر داکتر عنایت الله شهرانی رئیس اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان ابراز سپاس مینمایم که با چندین مقاله شان در حوضه بنده برای احراز وزارت های اطلاعات و فرهنگ و تعلیم و تربیه، و یاهم در بیست و صفت والی برای سه ولایت کابل، بلخ و هرات، که در هر سه ولایت مکتب خواننده و با همه موضوعات و فرهنگ آنها بلدم. هکذا جناب داکتر محمد حیدر خان سابق رئیس دانشگاه کابل و رئیس فاکولته حقوق و علوم سیاسی و استاد مسلم و معظم دانشگاه کابل، و یکی از گزینه های حکومت عبوری، و همین طور بزرگان دیگر علمی و مطبوعاتی آنرا تایید و تاکید نمودند، اما تا زمانیکه این دولت و آتانه باقیر و آقای خالد و قبله گاه فلائی و پیدر فلائی و پیلار فلائی باشد، گفته آقای سروردانش (موشه نموشه) رابطه سالاری موشه اما شایسته سالاری نموشه!

از لطف و بزرگواری همه دانشمندان ارزشمند که در حوضه من مهربانی داشته اند، و از عزیزانی که با لطف و محبت آنرا استقبال کرده اند ابراز امتنان میکنم. من از نوجوانی تا بحال درسگر قلم و کلام در خدمت وطن و وطندارانم بوده ام و انشاء الله خواهم بود. در مصاحبه های اخیرم و بهمین ترتیب در برنامه های تلویزیونی ام (دریچه سخن) راجع به انتخابات ایالات متحده و (سسی کردن سیاستها) در عرصه بین المللی صحبت های زیادی نمودم، خصوصاً عزیزانی که برنامه های سه ساعته تلویزیونی من، در ریچه سخن، را مسلسل تعقیب نموده اند و می نمایند، سسی کردن سیاستها و شعار انسانم آرزوست که در برنامه های اخیرم بالایش صحبت زیاد نموده ام.

خوب یاد دارم که در هفتاد و دومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۷ و جنرال اسامبله هفتاد و دو ملل متحد که مرتبه اول سخنرانی دونالد ترمپ بصفت رئیس جمهور امریکا در آن سازمان بود و سخنرانی داشت، البته در همان سال و همان مجمع عمومی مرتبه اول بود که آقای غنی احمدزی نیز بحیث رئیس جمهور سخنرانی نمود، چون در سالهای قبل که حکومت وحدت ملی در اریکه قدرت بود، ولی برای سخنرانی آقای عبدالله رئیس اجرایی و بعد آقای سروردانش معاون دوم در رأس هیئت به نیویارک آمده بودند، ولی از ترمپ آن سال اولین سال ریاست جمهوری بود چون هر رئیس جمهور امریکا همواره و همه ساله در روز اول افتتاح مجمع عمومی، در سومین هفته ماه سپتمبر آغاز بکار می نماید. البته امسال که هفتاد و پنجمین مجمع عمومی بود به شکل ویدیو مجمع عمومی برگزار شد بخاطر کووید ۱۹، اما قبل بر آن شهر پر بهایوی نیویارک شاهد حضور رهبران و رؤسای جمهور و صدراعظمان و وزرای خارجه کشورها شامل نقشه هستی و عضو جنبه ملل متحد هستند.

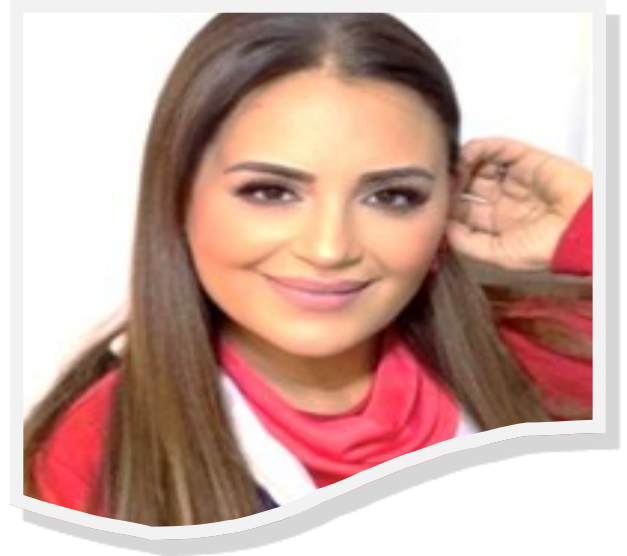
یادم هست که در آن مجمع عمومی ۲۰۱۷ بحث روی موضوع تمرکز بر مردم و تلاش و کوششی برای تمکین به صلح و زندگی انسانی برای همه در یک سیاره، عنوان شده بود، این موضوع بعنوان یک اصل اصیل در کنفرانسها و نشستهای مهم بین المللی بعدی از جمله در کنفرانس اقلیمی پاریس و مبارزه و مجادله و رزمایش برای گرمایش زمین مطرح و دنبال گردید، و تا به این روزها که الگوی دموکراسی دنیا (ایالات متحده) باتخلفات قابل استیضاح رئیس جمهور دونالد ترمپ مواجه شد.

مشتاق احمد کریم نوری

افغانستان عزیز پاره وجودم

(به سلسله مقالات دنباله دار)

بدبختی ما گناه بیگانه نبود پیوند من و شما صمیمانه نبود بودیم به ظاهر همه مشتاق وطن در باطن ما نقشی ازین خانه نبود اهداء به ارواح همه روزنامه نگاران و کارمندان رسانه یی که در سال های پسین توسط کوردلان زمانه، به خاطر روشنگری و وضاحت دهی های شان از بین برده شدند. خداوند (ج) روانهای شانرا همواره شاد داشته و جنت فردوس را برایشان ارزانی فرماید. نفرین بر همه کسانی که بر ضد آزادی قلم و کلام اند، دشمنان سوگند خورده که برداشت، استدلال و تحلیل ندارند، و کشورمان را



سومین مکان ناامن برای اهل مطبوعات ساخته اند.

گفته اند اخلاق هنر است و هنر اخلاق، لذا این نوشته سلسله مقالاتم را به بانوی هنرمند دوست مهربان فرهنگیم محترمه عادل ادم به افتخار هشت مارچ اهدا می نمایم. بانو عادل ادم یکی از چهره های موفق سینما، دختر قلم، سینماگر و ممثل ارزنده و برارنده سینمای کشور که در کار بازیگری اش واقعا شاد و ممتاز بوده و از هم دوره های عزیز مادر پوهنتون کابل، عمرت دراز یاد عادل جان ادم و سلامتی و خوشی بدرقه راحت و تنت به ناز طبییان نیازمند مباد!

سازمان خبرنگاران بدون مرز تازه در آستانه سال جدید میلادی بایان اینکه افغانستان سومین کشور خطرناک برای مطبوعاتیان می باشد، اخبار داشته که در طول سالهای ترمین دموکراسی در این کشور ۱۳۷ خبرنگار و اهل رسانه از بین برده شده و گراف اخبارها و هوشدارها و فرار روزبه فزونی می باشد. بلی آن کسی که نمیخواهد استدلال کند متعصب است و آنکه جرئت برداشت واقعیت های عینی را ندارد و بر نمی تابد، برده است.

کنفوسیوس گفته: اگر در رأس حکومت خوب الگوی منطقی و اساسی برای نقشه راه و حفظ وحدت و صلح و ثبات و شایسته سالاری که بر محور تعلیم و تربیه میچرخد، بوجد آورده نشود، و فتنه انگیزی ها و شانرا ندازی هاسر منشاء آن حکومت و دول باشد که فقط برای بقای خود کار و ممارست دارند، دیگر امید برای اصلاح و ریفورم و تحول و تغییر زودده می شود.

به تایید نظریه آن فیلسوف بزرگ چین، اگر چنین حکومتی همچنان به نا بکاری ها ادامه بدهند، لاجرم قوه های ثلاثه مطیع و منقاد آنان شده و آخرین دژ و چهارمین قوه که مطبوعات باشد، مورد حملات پی در پی و زنجیره یی قرار میگیرد، چنانکه همین حالا در حکومت غنی احمدزی چنین تلاشهای مخرب در حق اهل رسانه ادامه یافته و من بحیث یک مطبوعاتی سابقه دار به همه سنگرداران مطبوعات که برای حفظ این آخرین سنگر، با وجود هوشدارها و خطرها، هنوز هم مقاوم و کوه صفت پابرجا ایستاده اند، درود میفرستم و از قول شاعر عرض میکنم: دنیا اگر به کشتن ما همصدا شود

ما همچنان به زور خدا زندگی کنیم!

آقای عادل که از رادیوی محلی غور زمانی مصاحبه بار اقم این سطور داشت و چند بار هم توسط کوردلان زمانه خط زده شده بود، تازه صدایش خاموش شد، به همین سان یماسیاوش و یوسف رشید، ملاله میوند و آقای داعی و دهها و صد های دیگر، ولی هر کدام شان تا آخرین رمق می گفتند (وطن پاره تم)

قلم را اگر شکستند خوش مشو من در نمی مانم - برون جاده نمناک با خاشاک می نویسم - اگر هر نام دیگر خط خط شود خیر است، ولی نام آزادی وطن را هر کجا من پاک می نویسم آری وطن پاره تم!

اما باید دانست و فهمید و باید گفت این وطن بی مواطن نمی شود. این مابین های چسبکی که به شور آورد از گریه دل را - با یک پیام و یا تسلیت گفتن ها و گویا پیگیری هایی جواب نمی مانیم، گویی ها حل و تمام نمی شود، تا که تغییرات اساسی و اصولی در کشور رونما نگردد.

من سالها قبل در مطبوعات تحت عنوان زعامت، رهبریت،

فریبا آتش صادق

در گرامیداشت استاد فقیر محمد «ننگیالی» هنرمندی که نفسهایش را به مردم اهدا میکرد

در این سالیان غربت به تلخی باید گفت عزیزانی از میان ما رفته اند که تا نفسهای آخر عاشق زندگی و انسان و فرهنگ و مردم بودند. عاشق آزادی بودند و عاشق ادبیات و هنری که در آزادی می پوید و ذهن و روان آزاد را در خود می پرورد. موسیقی افغانستان در فاصله چند سالی شاهد خزان شدن هنرمندانی بود که هریک در گستره همت و توان خود به آن غنا بخشیدند و یادگاری برجای گذاشتند و خزان شدند نبودن شان در میان ما، به معنای رفتن شان از میان ما نیست، زیرا تا هنر شان هست زنده است، آنها ماندنی اند. هنرمندان با آنچه که از خود به جا گذاشته اند زندگانی میکنند. پس باید گفت: تار پای شان هست، نام و یاد شان نیز با ماست.



استاد فقیر محمد ننگیالی نیز از جمله برگهایی بود که تند باد زمان و غربت او را با خود برد و جایش در جاده موسیقی افغانستان جاودانه خالی ماند. فقیر محمد ننگیالی نزد طرفداران موسیقی به عنوان نوازنده توانای ترمپت مشهور است اما نزد موسیقی دانان سوای اینکه ترمپت نواز ماهر بود به عنوان رهبر آرکستر و آهنگساز بزرگ نیز جای خاصی دارد. نکته بارز در سبک موسیقی او استفاده از روشهای خاصی بود که در بسط و توسعه میلودی به هنگام بداهه نوازی آنها را به کار میبرد.

محترم مددی در زمینه هنر، مهارت و پشتکار ننگیالی فقید چنین گفت: «در طی قرن حاضر که ما با موسیقی در کشور خود مواجه شده ایم، موسیقی هنری، موسیقی فولکلور و موسیقی سنتی رادبر میگیرد اما موسیقی جدی و هنری موسیقی امروزی است. ما در کشور دو قله موسیقی را سراغ داشتیم که در آن قلمرو فعالیت داشتند و کارنامه های سترگی از خود بجا گذاشته اند. یکی استاد ننگیالی و دیگر استاد سلیم سر مست مرحوم بودند. این دو گوهر واقعاً که در موسیقی جدی و هنری با تمام اساسات موسیقی اروپایی و اصول علمی موسیقی کارهای خود را عرضه کرده اند، فعالیت داشتند. فرد سوم اما در جریان صدسال اخیر سراغ نداریم. من در کتاب سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان به صراحت نوشته ام که استاد فقیر محمد ننگیالی یکی از بهترینها در عرصه موسیقی افغانستان است.»

استاد فقیر محمد ننگیالی در سال ۱۳۰۵ ه.ش در گذر کتابفروشی کابل دیده به جهان گشود و صنوف ابتدایی رادر مدرسه صنایع به آخر رسانید. نوجوانی بیش نبود که احساس و علاقه اش او را به سوی موسیقی کشاند و آن عشق و علاقه مندی روز به روز بیشتر از پیش میشد. پدرش مرحوم فضل احمد کارمند دولت آن زمان بهترین روزنه برای تشویق پسر در راه موسیقی و خدمت برای وطن و مردمش بود، تا اینکه در اثر آن همه تشویق و علاقه وافر در سال ۱۳۱۴ ه.ش شامل مدرسه موزیک عسکری شد. ننگیالی شش سال آموزش موسیقی را در آن مدرسه زیر نظر استادان داخلی و خارجی همچو تورن غلام رسول، فرخ افندی و مختاریبگ ترک تبار پیش گرفت و سرانجام به عنوان ترمپت نواز سند فراغت را حاصل کرد.

سال ۱۳۲۰ آغاز کار ننگیالی بعنوان رهبر آرکستر و ترمپت نواز در ارکستر هشت نفری ریاست بلدیة کابل به شمار میرود. اودر همانسال همراه با آرکستر باد شده در ثبت و کمپوز آهنگهای آواز خوانان و ترانه های کودکان همکار رادیو کابل وقت بود.

مرحوم استاد سلجوقی در سال ۱۳۲۱ مدبریت عمومی آرت راتحت نظر عبدالرشید لطیفی اساس گذاشت. محترم لطیفی زمینه فعالیت های هنری بیشتر ننگیالی را در آنجا گسترش بخشید.

فقیر محمد ننگیالی عضو فعال و با پشتکار مدرسه موزیک حربی بود. (باتأسیف آن مدرسه در سال ۱۳۲۴ به امر سردار محمد داوود که در آن زمان قوماندان عمومی مکتب حربی و قوماندان قوای مرکز بود از فعالیت بازماند و دانش آموزان آن مدتی از آموزش بدور ماندند. اما در سیر همان سال ننگیالی بدون آرامش شامل گروپ هارمونی وزارت حریه شده به فعالیتها و خدمات هنری بینظیر پرداخت.)

فقیر محمد ننگیالی در سال ۱۳۳۲ با موسسه پوهنی ننداری و مرستون نیز به همکاری پرداخت و یکسال بعد تدریس موزیک مدرسه خورد ضابطان

را عهده دار شد که پس از سه دوره اولین فارغان آن مدرسه جهت خدمت به جامعه و موسیقی کشور به تاسیس ارکستر ۱۸ نفری پرداختند.

استاد فقیر محمد ننگیالی پس از ۳۰ سال خدمت در بخش موسیقی نظامی کشور در سال ۱۳۴۹ خانه نشین گردید. از آن پس بارادبو افغانستان به عنوان ترمپت نواز و آهنگساز با تجربه پیمان همکاری بست و در جریان همان سال با همکاری استاد سلیم سرمست و عبدالجلیل زلاند ارکستر ۳۸ نفری رادیو افغانستان را بنیان گذاشت و فعالیتهای ماندگاری را انجام دادند. محترم بیرک و ساد مورد پشتکار و تلاش استاد ننگیالی در عرصه موسیقی افغانستان میگویند: «استاد ننگیالی یکی از تاجداران موسیقی ماست، بخاطر رشد و تدریس موزیک کشور تلاشهای بی پایانی نمود، برانزدگی استاد این بود که نوتشن موسیقی را خوب میدانست و هم بهترین آهنگها را برای آوازخوانان کمپوز نمود. به جاست بگویم که آن مرحوم آهنگساز بی بدیل کشور ماست.»

مرحوم ننگیالی یکی از بنیان گذاران لیسه مسلکی موزیک وزارت تحصیلات عالی و مسلکی افغانستان بود که در سال ۱۳۵۳ آغاز به فعالیت نمود بعد مرحوم استاد سلیم سرمست، محترم استاد ارمان و مرحوم اسمعیل اعظمی و محمدعلی همکاری شان را با آن مدرسه آغازیدند. نخستین فارغان خوب و ممتاز آن مدرسه خالد ارمان، همایون ننگیالی و جمال ناصر سرمست میباشند که هریک شان در گوشه های غربت فعالیت هنری دارند، عده بی از فارغان آن مدرسه یا جهت تحصیل به خارج از کشور رفتند و بخش دیگر جذب دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه کابل گردیدند.

استاد ننگیالی که ترمپت نواز بیمانندی بود، با مهارت تمام بر فلو ت، پیانو، اکوردیون و هارمونیه تسلط داشت. او آهنگ های زیادی راهارمونیزه کرده به خصوص آهنگ های فلکلوریک را و در اجرای آن آهنگها با مهارت فراوان سولیست ترمپت و رهبری آرکستر را به عهده میگرفت.

استاد حدود ۱۲۵۰ آهنگ برای آوازخوانان کشور همچو استاد خیال، زلاند، استاد مهوش، خانم رخشانه، خانم پروین، عبدالرحیم ساربان، اکبر محبوب، یعقوب آبشار، احمد ظاهر، وهاب مددی، خانم افسانه، استاد ارمان و دیگران ساخته و رهبری آرکستر را به عهده داشت.

استاد ننگیالی در شماره ۴۴ سال چهارم اپریل ۱۹۹۱ مجله سیاوون (کابل) طی مصاحبه گفته بود که تا آن زمان میلودی بیشتر از ۲۷۰ آهنگ فلکلوریک را ترتیب نموده و ۱۰۰ پارچه آن را «روتش» نموده اند که به گونه نمونه میتوان از آهنگهای «الله شاه کو کو جان، آهسته برو و سمنک در جوش» نام برد.

در جریان همان سال آرکستر بزرگ موزیک رادیو تلویزیون را ایجاد نمود که در مورد چنین اظهار داشته: «تعداد اعضای این آرکستر به ۶۰ نفر میرسد که آهنگها توسط آلات موسیقی مثل رباب، هارمونیه، طبله، دهل، زیر بغلی، دلربا، تنبور، توله، سرنده، ترمپت، کلارنت، جازبند و سکسفون به وسیله نوازندگان نواخته میشوند، تا کنون ۱۶ پارچه آهنگ را با همین آرکستر ثبت نموده ایم. باید اضافه نمایم که مشکلاتی در قسمت فلمبرداری آهنگها داریم زیرا بارها اتفاق افتاده که من به سوی رباب اشاره نموده ام، فلمبردار جازبند نواز را در برابر کمره قراردادده است.» نغمه نخستین فلم افغانی بنام روزگاران «جوش طرب» نیز از ساخته های مرحوم ننگیالی میباشد.

از استاد مقاله ها و نو تیشن آهنگهای بیشماری در مطبوعات داخل و برون مرزی افغانستان زینت چاپ یافته و از آن میان میتوان کتاب «تشنه صدای تو خاموشم» که در پاکستان به چاپ رسید نام برد. در کتاب ۱۰۰ پارچه از آهنگهای احمد ظاهر با اشعار و نوتشن موسیقی آنها نشر شده اند. (شادروان استاد ننگیالی، دردوسه سال اخیر حیات بیش از بیست مقاله درباره موسیقی کشور برای هفته نامه امید نوشتند که همه آن انتشار یافته است. اداره)

ننگیالی دردنیای غربت دست از قلم بر نداشت. مصروف نگارش آثاری چون تاریخ آلات موسیقی افغانستان و تکامل آنها در بلاد دیگر، معرفی شعرای موسیقیدان، مخترعین آلات موسیقی دیار ما، تیوریهای موسیقی، تفاوت موسیقی افغانستان با موسیقی ملل دیگر، راگ ها و اصل پیدایش آنها به ارتباط افغانستان باستانی، آهنگهای زنده یاد ساربان با شعر و نوتشن آن بود، ولی مرگ مجال چاپ و نشر آنها را برایش نداد.

از سفرهای هنری استاد ننگیالی میتوان به کشورهای چین، ایران، شوروی و چکسلواکیای سابق نامبرد. رهآورد های زیرین بخشی از امتیازهای او به شمار میروند:

مدال مطلای هنری از جانب محمد ظاهر شاه سابق افغانستان، مدال هنری از اتحاد شوروی سابق، مدال هنری نظامی، مدال هفتاد مین سال آزادی به افتخار شاه امان الله، نشان صداقت، نشان افتخار، نشان کمپوز های دولتی از شوروی سابق، نشان شایسته هنری، لقب کارمند شایسته فرهنگ در سال ۱۳۶۸.

استاد فقیر محمد ننگیالی با داغ دوری از وطن و در بستر نا آرام غربت و به آرزوی تجلیل جشن نوروز در کشورش به تاریخ ۲۴ ماه مارچ سال ۲۰۰۳ م در شهر «اوفنباخ» آلمان چشمان خسته و غربت زده اش را بست و نفسهای هنری اش را در آهنگهای هنرمندان کشور ما، به خصوص آهنگهای احمد ظاهر برایمان به یادگار گذاشت.

استاد ارمان همکار نزدیک ننگیالی فقید در نبود دوست از دست رفته اش چنین گفت: «استاد ننگیالی از سن ۷ یا ۸ سالگی تا آخر عمر در خدمت مردم و موسیقی کشور بود. اوموسس دو (صفحه ۸)

نصیر احمد رازی

سدنی، استرالیا

دریچه به نشر پیشینیان

خوان گرم: ... آورده اند که ابراهیم (ع) روزی به طلب مهمانی بیرون رفت تا با هم طعام خورند، چه عادت فرخنده اش چنان بود که بی مهمان چیزی نخوردی، و بعد از جستجوی بسیار، پیرمردی یافته به خانه آورد و در اطوار (رفتار) پیر تأمل نموده او را از دین بیگانه یافت. بنابراین او را طعام نداده از خانه اش بیرون فرستاد. چون پیر از نظر خلیل الرحمان غایب گشت، خطاب عتاب آمیز از درگاه ولی النعم والاحسان در رسید که یا ابراهیم! این بنده نافرمان با وجود کثرت ترمذ و عصیان در مدت عمر خویش از خوان افضال (بخشش) مایه نصیب و مأیوس نگشت که نومید شود، امروز که یک چاشت اوبه تو حواله شد از خانه {ات} گرسنه و محروم به در کردی.

منش داده صدسال روزی وجان تورانفرت آید ازو یک زمان آنگاه ابراهیم از این حدیث متأثر گشته به تعجیل تمام از عقب آن پیرمرد بیرون آمده او را دریافت و به مبالغه تمام او را به خانه باز آورد. آنگاه پیر از ابراهیم سبب رد و قبول پرسید. ابراهیم صورت واقعه باز نمود. پیر رقت کرده، گفت زهی خداوند که دوست را به جهت دشمن عتاب می کند. آنگاه پیر مشرک از دین خود تبرا نموده ملت حنیف قبول کرد و یکی از مخلصان حقیقی و مؤمنان تحقیقی گشت. (روضه الصفا)

ابراهیم ادهم: ... نقل است که ابراهیم نشست به مردی بیامد و گفت: ای شیخ! من بر خود بسی ظلم کرده ام، مراسخی بگویی تا آنرا امام (سرمشق) خود سازم. ابراهیم گفت: اگر از من شش خصلت قبول کنی بعد از آن هیچ تو رازیان ندارد. اول آن است که چون معصیتی خواهی کرد روزی او را مخور. او گفت هر چه در عالم است رزق اوست، من از کجا خورم؟ ابراهیم گفت نیکو بود که رزق او خوری و در وی عاصی باشی؟ دوم آن که چون معصیتی خواهی کرد از ملک خدای تعالی بیرون شو! گفت این سخن دشوار تر است چون مشرق و مغرب بلاد الله است، من کجا روم؟ ابراهیم گفت نیکو بود که ساکن ملک او باشی و در وی عاصی باشی؟ سیوم آن که چون معصیتی کنی جایی که خدای تعالی تو را نبیند. مرد گفت این چگونه باشد؟ که او عالم الاسراست. ابراهیم گفت نیکو بود که رزق او خوری و ساکن بلاد او باشی و از او شرم نداری و در نظر او معصیت کنی؟ چهارم آن است که چون ملک الموت به قبض جان تو آید بگو که مهلت ده تا توبه کنم. گفت او از من این قبول نکند. گفت پس چون قادر نیستی که ملک الموت را یک دم از خود دور کنی، تواند بود (می توانی) که پیش از آن که بیاید توبه کنی. پنجم چون منکر و نکیر بر تو آیند، هردو را از خود دفع کنی. گفت هرگز نتوانم. گفت پس جواب ایشان را اکنون آماده کن. ششم آن است که فردای قیامت که فرمان آید که: گناهکاران را به دوزخ برند، تو مرو! گفت امکان باشد که من با فریشتگان (فرشتگان) برآیم؟ پس گفت تمام است این چه گفتی، و در حال توبه کرد و در توبه شش سال بود تا از دنیا رحلت کرد.

نقل است که از ابراهیم پرسیدند که از چیست که خداوند - متعال - فرموده است: ادعونی استجب لکم؟ می خوانیم و اجابت نمی آید. گفت از بهر آن که خدای را تالی و تقدس - می دانید و طاعتش نمی دارید، و رسول وی رامی شناسید و متابعت سنت وی نمی کنید و قرآن می خوانید و بدان عمل نمی نمایید و نعمت می خورید و شکر نمی گوید و می دانید که بهشت آراسته است از برای مطیعات و طلب نمی کنید و دوزخ آفریده است از برای عاصیان با سلاسل و آغلان آتشین (زنجیر و زولانه) و از آن نمی ترسید و نمی گریزید و می دانید که شیطان دشمن است و با او عداوت نمی کنید و می دانید که مرگ هست و ساختگی (آمادگی) مرگ نمی کنید و مادر و پدر و فرزندان را در خاک می کنید و از آن عبرت نمی گیرید و از عیب های خود دست نمی دارید و همیشه به عیب دیگران مشغولید. کسی که چنین بود دعای او چون به اجابت پیوندد؟ این همه تحمل از آثار صفت صبوری و رحیمی است و موقوف (موکول) به روز جزاست. (تذکره الاولیاء)

الهی: الهی! بیزارم از آن طاعتی که مرا به عجب آورد و بنده آن معصیتم که مرا به عذر آورد. الهی! چون توانستم ندانستم و چون دانستم نتوانستم! الهی! همه می ترسند که فردا چه خواهد شد و عبدالله می ترسد که دی چه رفت. الهی! اگر چه گناه من افزون است، اما عفو تو از حدیرون است. الهی! اگر مجرم مسلمانم و اگر بد کرده ام پشیمانم. الهی! اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است. الهی! اگر چه شب فراق تاریک است، دل خوش دارم که صبح وصال نزدیک است.

عاشق چو دل از وجود خود برگیرد اندر دو جهان دو زلف دلبر گیرد باله که عجب نباشد از دلسبر او او را به کمال لطف در بر گیرد الهی! بر عجز و بیچارگی خود گواهم و از لطف و عنایت تو آگاهم، خواست خواست تو ست من چه خواهم!؟

(مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری - رح)

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰) دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر - یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly

12286 Ashmont Ct #202

Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel/Fax : (703) 491-6321

Email: mkqawi471@gmail.com

اعراض مرض درمصابین COVID-19 یک طیف وسیع داشته قسمی که تذکریافت از اعراض خفیف تا بسیار شدید را در بر دارد. اعراض مرض در ظرف ۲-۱۴ روز بعد از معروض شدن به ویروس کرونا ظاهر میگردد. ممکن با اعراض ریزش ساده و یا از بین رفتن مزه واز دست دادن حس شمی و یا سرفه های خشک شروع شود که باتب بلندهمراه میباشد. درد گلو یا ناحیه انفی بلعمی در قسمت اخیر گلو حس می شود. در صورت معروض شدن شش ها نفس تنگی و کمی آکسیجن که خطرناک است و توجه عاجل میخواهد ظهور می کند. همچنین خستگی، سردردی، درد های عضلی بدن، احتقان بینی و افرازات آب مانند، دلبدی و استفراق و اسهالات هم ممکن است پیدا شود. این اعراض بصورت مداوم از طرف CDC نظر به واقعات جدید و تجربه ای شان تجدید شده به اعراض علاوه می گردد. اعراضی که کمک عاجل باید جستجو شود عبارت از: فشار و درد شدید در صدر، مکدریت دماغ یا confusion نوپیدا، عدم بیداری یا عدم قابلیت بیدار ماندن و آبی شدن لبهاوروی میباشد. اما این اعراض ممکنه عاجل بوده هر عرضی که سبب تشویش شود باید به داکتر اطلاع داده شود. در صورت ظهور یکی از اعراض عاجل دیارتمنت Emergency که باید مریض مراجعه کند پیش از رفتن به آنجا باید با آنها با تلفون به تماس آمده معلومات مکفی درباره اعراض خود ارائه دارد.

بعد از کشف یکی از اعراض فوق، مصابین مرض یا تماس شخص با افراد مشکوک باید برای ۱۴ روز قرنطین شوند. مصابین مرض شکر، امراض قلبی، HIV، مریضان عقلی، فشار خون کنترل نشده، استما و توبرکلوز آنداز خوب ندارند. عدم کفایه گرده، میوکاردایت و یا عدم کفایه اعضای متعدد بدن منجر به مرگ می گردد. برای وقایه باید مراحل ذیل مراعات شود: ۱- ماسک های مستند در هر جا پوشیده شود. مسافه اقل ۶ ف ت بین دونفر مراعات شود. ۲- دستان مرتب باصابون شسته شود چون پوش یا کپسول ویروس کرونا شحمی است و باصابون ازین میروود. از Sanitizer های که از ۶۵٪ بالاتر الکل داشته باشند نیز استفاده شده میتواند. ۳- ویروس در سطوح مینشیند پس سطوحات و دستگیرها در همه جا با Disinfecting wipes مرتب پاک شود. با دستمال دیگران تماس نشود. ویتامینهای C و D3 سیستم دفاعی یا معافیت را تقویت میبخشد استفاده شود.

از شربنی باب پرهیز شود. تنها معلوماتی که از طرف مؤسسه صحتی جهان یا جان هاپکنز پخش میشود مفید است. هشت ساعت خواب مهم است زیرا امیونیتی را تقویت می بخشد. ۱۰- از ستریس و تشویش جلوگیری شده توکل به خداوند فراموش نشود. ۱۱- مایعات چون شوربا و غذاهای اورگانی و آب به مقدار کافی مصرف شود. ۱۲- از قهوه پرهیز شود. ۱۳- سفرهای غیر ضروری به تعویق انداخته شود. ۱۴- اگر ضرورت عاجل نباشد از خانه بیرون نروید. ۱۵- موضوع مهم در وقایه تطبیق واکسین برای اشخاص صحتمند است تا بتوانند مقابل ویروس کرونا مقاومت پیدا نمایند. واکسین توسط کمپنی های فایزر، مودرنا و جانسن جانسن (J.J.) ساخته شده است. جانسن جانسن به تاریخ دوم فروری ۲۰۲۱ اجازه تطبیق عاجل واکسین های یک دوره بی خود را از FDA طلب نمود. واکسین J.J. که به شرکت کنندگان ریسرچ ۶۶٪ معافیت داده نشان داده که ۸۵٪ مرض وخیم کرونا را حامت میکند و هم هنگام ریسرچ واکسین نه کسی بستر شفاحانه شده و نه وفیات داشته است. ممکن در ماه مارچ ازین واکسین استفاده شود. این واکسین یک زرق ضرورت دارد، در حین حال دو زرق رابه مسافه ۲۸ روز نیز آزمایش کرده است. این واکسین در هر جا تطبیق شده شرایط نگاه کردن فایزر و مودرنا را ندارد.

فایزر و مودرنا Moderna واکسین را با استفاده از RNA یا mRNA پروتینی ساخته اند که به ضد پروتین میخک انتی بادی میسازد؛ میخک به حجره میزبان ملحق نشده مرض تولید نمیتواند. واکسین فایزر برای سنین ۱۶ به بالاست و ۹۵٪ موثریت دارد و دو زرق به مسافه ۲۱ روز توصیه نموده است. هر دوز واکسین فایزر ۳۰ مایکروگرام مواد دارد. واکسین های mRNA باید سرد بوده به منفی ۹۴ درجه فارنهایت نگاه شود. (دنباله در صفحه هشت)

سندروم تنفسی شرق میانه یا MERS-Cov، کرونا ویروس سندروم شدید حاد تنفسی یا SARS-Cov و سندروم شدید حاد تنفسی یا SARS-CoV-2 که همین COVID-19 است.

پس، ویروس کورونا جزئی از یک فامیل بزرگ نوع RNA می باشد. کووید ۱۹ یکی از اعضای فامیل بیتا کورونا ویروس -۲ بوده سبب مرض در پرنده ها و پستانداران میگردد. در انسان ها و پرنده ها سبب اتان تنفسی می شود که از یک حمله خفیف زود گذر مانند ریزش تا واقعات کشنده، مصابین دارد. COVID-19 چون در شام ۳۱ دسمبر ۲۰۱۹ اولین واقعه آن در شهر وهان Wuhan چین تشخیص شده این لقب را نصیب شد. در اوایل کورونا ویروس با ID یا شناسنامه ۱۹ به ارتباط سال ۲۰۱۹ نام داشت ولی پسان ها نام «مرض کرونا» جانشین ID شد. WHO به آن لقب موقت ۲۰۱۹-Cov داد که بعدا توسط کمیته بین المللی توکسونومی ویروس اسم رسمی SARS-Cov-2 به خود گرفت. ریزش عادی توسط چهار نوع اولی همیشه در دوران بوده سرماخوردگی را در سرتاسر جهان برای اطفال و کاهلان باریمی آورند. اصلاً ۱۵٪ واقعات سرما خوردگی توسط کروناهاشیوع یافته در حالیکه ۴۰ تا ۵۰٪ مصابین سرما خوردگی یاریزش توسط ویروسهای بینی یا Rhinoviruses مانند adenovirus منتن میگرددند. این ویروسها در اقلیم های معتدل شیوع فصلی داشته بیشتر در ماه های زمستان مصابین دارد. در اقلیم های گرمسیر یا tropical فصل معین برای شیوع مرض نه دارند.

سندروم شدید حاد تنفسی یا Severe Acute Respiratory Syndrome (SARS) که در سال ۲۰۰۳ به تعقیب شیوع سندروم شدید حاد تنفسی در آسیا و واقعات ثانوی آن در دیگر نقاط جهان ظهور نمود؛ موسسه صحتی جهان از ویروس کرونای جدید که در چندین لابراتور تشخیص شده بود خبر داد و نامش را SARS-Cov گذاشتند. در سرتاسر جهان ۸۰۰۰ نفر مصاب شد و ۷۷۴ نفر وفیات داشت.

ویروس وهان، به حیث یک ویروس جدید نوع بیتا کرونا ویروس گروه B۲ شناخته ۷۰٪ مشابهت جنتیکی با کرونایر و SARS تشخیص شده است. این ویروس ۹۶٪ مشابهت به کرونا ویروس شب پرک یا BAT دارد. بناء، حدس زده می شود که ممکن منبع اصلی این ویروس از شیرک چرمی باشد، زیرا مردم چین ازین پرنده غذا تهیه می دارند ولی گروهی دیگر را عقیده بر این است که این یک ویروس ترکیبی بوده در لابراتوار بزرگ ویروس وهان به حیث اسلحه قتل کنلوی یا WMD که عبارت از Weapon of Mass Destruction میباشد به خارج منتشر شده است. ولی به روز ۱۶ سپتمبر ۲۰۲۰ اسوشیتید پرس راپور داد که کووید ۱۹ منبع ساختمانی لابراتواری ندارد. شیوع این ویروس ازهر مرجع که باشد به سرعت تام از حالت اپیدیمی به پاندمیک مبدل گشت و در سرتاسر جهان میلیون ها نفر مصابین و وفیات داشته تهنوز دوام دارد. علاوه COVID-19 به Mutation یا تولید نسل جدید که اولین واقعه در افریقای جنوبی تشخیص و بعد در لندن و به تعقیب آن در امریکا شیوع یافته است از اصل حیث تر بوده به سرعت قابل وصف مردم را مصاب می سازد و حتی در اطفال نیز تشخیص شده است.

منتن ساختن حجره با الحاق پروتین میخک به ریسپیتور غشای حجره اپیتیلی انسان آغاز می گردد. در عین حال این غشای حجروی میزبان برای پذیرفتن ویروس کرونا آمادگی گرفته یک جوف کوچک تهیه میدارد تا پارتیکل ویروس در آن داخل شده بتواند، این عمل endocytosis پند می شود.

بعد از اینکه ویروس کاملاً داخل جوفک گردید با خود یک پوش غشای حجروی میزبان را نیز به عاریت گرفته داخل سابتو پلازم میزبان می گردد. درین جا پوش غشای حجروی میزبان توسط عمل انزایمی از دوردور ویروس بر طرف میگردد و ویروس کرونالچ شده معروض به انزایم های قویتر شده کسپید یا پوش جینوم را دریده RNA آزاد میسازد که بلا درنگ توسط ریپوزوم حجره این رشته منفرد مثبت گرفته میشود. در داخل ریپوزوم ویروس «انزایم پولیمیراز» خود را ساخته از RNA رشته منفرد مثبت، RNA رشته منفرد منفی کوچک که همانا mRNA است ترکیب میکند. بعد این رشته منفرد منفی کوچک بحیث قالب یا Template کار نموده معلومات RNA رشته منفرد مثبت را به رشته منفرد منفی کوچک نقل داده اخلاف جینوم ویروس کرونارا که RNA های رشته منفرد مثبت جدید اند تولید می نماید.

یکتعداد ازین RNA رشته منفی کوچک به ریپوزوم رفته از آنجا به غشای حجرات اندو پلازمیک ریتیکولوم یا ER داخل شده پوش پروتینی میگیرند، بعد از پیوست به ER رشته های طولیتر شده شکل حلقوی با پوش نیوکلیو کسپید nucleocapsid که دارای RNA حلزونی تاب خورده مهره مانند می باشد، تولید میگردد. هر کدام این مهره ها، یک ویروس جدید است که از شحم و پروتین حجروی میزبان برای خود پوش ساخته توسط حوصلات Golgi bodies از سابتو پلازم به غشای حجروی نقل داده میشود که با عملیة exocytosis به مسامات خارج حجروی رفته به این صورت به تکثیر خود دوام داده میزبان را مصاب ساخته متضرر میسازد.

ویروس کرونا را جدی بگیرد

وفیات برق آسا روزانه بلند می رفت. این داکتر که یک محقق پشت میز و کمپیوتر و پالیسی ساز بود، نه طیب، یک تیوری وقایوی واهی را در میدان انداخته بود و خبر نداشت که «معافیت گله ای» با چنین ویروس شدید امکان ندارد.

معافیت گله ای فقط در انسانات با کتریایی ممکن است مثلا در افغانستان هم زمان طفولیت ما واقعات توبرکلوز زیاد بود؛ در هوا نوع ضعیف شده باسیل کوخ عامل توبرکلوزرا کسانیکه نفس نموده بودند تست های جلدی شان مثبت میبود وثابت می ساخت که فرد معروض میکروب توبرکلوز شده است. این معافیت برای ما در معاینات صحتی سالانه وظایف ما مشکلات خلق میکرد و با مثبت بودن تست جلدی توبرکولین و با تست های مدرن چون Interferon Gamma Release Assay که زیادتر با اسم مخفف آن که IGRA یاد میشود برای شش ماه و حتی نه ماه با Isoniazid یا INH تداوی میشدیم تا که دانستند ما معافیت گله ای نصیب شده ایم. تاسف درینجاست که این مستخدمین قصر سفید برای خوشنودی ترمیم به وقایه ویروس توجه نمود، تا حدیکه که در روزدهم فروری ۲۰۲۱ این کرونا ویروس در امریکا اضافه از ۲۷ میلیون مصاب و اضافه از ۴۷۰ هزار وفیات داشت.

اجداد ویروس کرونا ۵۵ میلیون سال و حتی زیادتر موجود بوده اند. در سالیهای مابعد انواع مختلف این ویروس را در حیوانات و پرنده های مختلف ربط داده اند. اکثر ویروسهای انسانی منشاء خود را از شب پرک چرمی یا BAT گرفته اند. انواع مختلف ویروس کرونا در سالهای ۱۹۹۰، ۱۴۴۲، و ۱۸۰۰ م کشف شد. در اواخر ۱۹۲۰ انسان تنفسی در مرغ های شمال امریکا راپور داده شد و در سال ۱۹۳۱ معلومات مفصل درباره این اتان ویروسی مرغان در دکوتای شمالی اضلاع متحده نشر و ویروس در سال ۱۹۳۳ توسط دانشمندان «لیلاند بی بوشنل» و «کارل الفرد براندی» تجرید گردید. در سال ۱۹۳۷ برای اولین بار این ویروس در لابراتوار زرع شد. اواخر ۱۹۴۰ بود که مرض ویروسی کرونا را در حیوانات و موش تشخیص نمودند. در سال های ۱۹۶۰ ویروس کرونای انسان کشف شد و در ۱۹۶۵ تجرید گردید. در سال ۱۹۶۲ ویروس کرونا نزد یک محصل طب تشخیص شد. با مطالعه ویروس کرونادر حوالی سال ۱۹۶۷ تحت مایکروسکوپ الکترونیکی یا EM به ساختمان این وروس آشنایی دقیق علمی نصیب شد و معلومات انواع مختلف این ویروس با تفصیلات مولیکولی به دسترس جهانیان قرار گرفت.

ساختمان یا اناتومی این ویروس زیر چشم EM یک پارتیکل تقریباً کروی بوده دارای پوش و نوه می باشد. پوش آن از دو طبقه شحم که با خود پروتین یا لیپو پروتین دارد ترکیب شده است. موجودیت شحم در پوش آن به ویروس کرونا مقاومت در مقابل محیط گرد و نواح میزبانش میسر میسازد که به وخیم بودن آن اشاره می کند. در سطح پوش تبارزات میخک مانند وجود دارد که به ویروس شکل مانند تاج میدهد و از خاطر همین ساختمان است که اسم Corona یا تاج به آن داده اند. این میخک ها دارای راس و ساقه اند؛ ساقه راساً به سطح پوش پیوسته است. در بین این میخک های طویل میخک های کوتاه تر هم بعضی اوقات نظر به نوع ویروس دیده میشود. میخک ها که راس سه برگه به شکل شفتل سیاه در قطعه یا کارت بازی دارد برای تعاملات به حجره میزبان ضروری میباشد. هر پارتیکل ویروس طور اوسط دارای ۷۴ میخک در سطح خود بوده هر میخک در حدود ۲۰ نونامیتر یا nm که عبارت از یک بلیونم یک متری می باشد، طول دارد.

نوه ویروس کرونا که جینوم گفته می شود از ساختمان جنتیکی یا ارثی که عبارت از RNA است مملو می باشد. RNA یک رشته منفرد است که بنام RNA «رشته منفرد مثبت» یاد شده در روی رشته مانند مهره هادریک تارتحت EM نمایان میگرددند. در حقیقت یک رشته طویل پولی پیتید است که دو نهایت راسی و ذنبی دارد. راس رشته ساختمان ۵ methylated یا C ترمینل و ذنب آن ساختمان ۳ poly adenyated یا N ترمینل دارد، می داشته باشد. اندازه جسامت ویروس کرونا ۸۰ تا ۱۲۰ نونامتر nm است. جسامت کلاتر ۵۰ تا ۲۰۰ نونامتر در قطر نیز دیده شده است. وزن مجموعی مولیکولی آن به صورت اوسط ۴۰,۰۰۰ کیلودالتن یا kDa نگاشته شده است.

از نظر تصنیف یا Classification چهارنوع کرونای ویروس اند: الفاکرونا ویروس، بیتا کرونای ویروس، گاما کرونای ویروس و دلتا کرونا ویروس. شش نوع مختلف ویروس کرونای انسانی شناخته شده که هر کدام به یکی از تصنیف های فوق ارتباط دارد. از جمله یکی از آنها به ذات خود دو نوع دیگر دارد و تعداد مجموعی ویروس انسانی به هفت عدد می رسانند. چهارنوع آن اعراض خفیف بار می آورند که در سابق ممکن سیر نامساعد داشته اند و عبارتند از:

کرونا ویروس انسانی OC43، کرونا ویروس انسانی HKU1، کرونا ویروس انسانی E ۲۲۹ و کرونا ویروس انسانی NL63. سه نوعی که اعراض شدید تولید میکنند عبارتند از: کرونا ویروس

کتاب (یادداشت‌های استاد خلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Amid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 29, Issue No. 1079, FEBRUARY 21, 2021, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان

لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسامبر ۲۰۲۱ ارسال دارند. تلفون (۷۰۳-۴۹۱-۶۳۲۱) - ۷۰۳ mkqawi471@gmail.com 12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192-7075 U.S.A.

ویروس کرونا را جدی بگیرید

واکسین مودرنا برای سنین از ۱۸ به بالا بوده موثریت ۹۴.۱٪ داشته دو زرق به مسافه ۲۸ روز داده میشود. اکنون در جریان تست واکسین نزد سنین ۱۲ تا ۱۷ ساله مشغول اند ولی فعلا این واکسین برای اطفال توصیه نمی شود.

میتود تهیه واکسین جانسن ازین دو فرق دارد طوری که از ویروس سرماخوردگی adenovirus استفاده کرده اند. این ویروس طوری انجیری شده که پروتین میخک SARS-2 را در خود دارد و بعد این پروتین میخک ویروس را به سیستم ایمنی معرفی نموده انتی بادی میسازند. این واکسین ۱۰۰ میکرو گرام مواد دارد.

عوارض جانبی این واکسینها زیادتر به گروه reactogenic یا کسانی اند که به مقابل واکسین اعراض گذری نشان میدهند ظهور میکند و تا حال تمام عوارض جانبی در واکسین شدگان کووید - ۱۹ در همین گروپ دیده شده است. محل زرق اول، دردناک بوده خستگی و نزد بعضی تب و درد های عضلی و مفصلی رخ میدهد. زرق دوم، هم چنین عوارض گذری با خود دارد ولی بعضی ها روز دیگر از تاثیرات جانبی واکسین احساس خوب نکرده به کار رفته نمیتوانند. بعضی واقعات عکس العمل شدید الرژی در مقابل mRNA راپور داده شده است. بناء مراکز واکسین کننده اینفرین یا EpiPen که دوی حیات بخش است سر دست داشته در صورت ضرورت دفعتاً به فرد زرق می نمایند. مرکز کنترل امراض یا CDC هدایت داده است که هر کسی که واکسین می گیرد باید برای ۱۵ دقیقه و آنهایی که سابقه الرژی دارند ۳۰ دقیقه تحت نظارت گرفته شوند.

موضوع مهمی که بین جوامع افغانستانیهای موجود دارد احساس مسؤولیت غم شریکی در مراسم ترحیم و سوگواری خویشاوندان، دوستان و رفقا است. در حالیکه مابه این احساسات خود ارزش قابل هستیم جان نگاه کردن هم بر ما فرض است. مخصوصاً اشخاص مسن بعد از سن ۶۵ که امراض فوق را مصاب اند باید بایک تماس تلفونی عرض تسلیت داده بر متوفی درود و دعا نثار نمایند و سوگواران هم این موضوع را درک کرده معذرت را می پذیرند. در صورتیکه خود را صحتمند فکر میکنیم و در چنین محافل شرکت می ورزیم باید ماسک پوشیده، مصافه را مراعات نموده از بغلکشی باید دوری جست. متاسفم که در کولورادو دوستان نزدیک را به حق سپرده ایم و نتوانستیم به جنازه ویا مراسم نامزدی و ازدواج شان شرکت کنیم که همه با بزرگواری که دارند معذرت مرا پذیرفتند و برای دوست عزیز و مرد عارف و متقی جامعه ما مرحوم مغفور حاجی محمد ناصر صافی سابق معلم لیسه حبیبیه، یکی از مؤسسين مرکز اسلامی شمال دینور، خطیب روزهای جمعه ما بود و در محفل و جمع دوستان امر معروف داشتند با معذرت نوت ذیل را از طریق ایمیل فرستادم:

حاجی ناصر آن معلم با صفا از جهان پرید و رفت آن پدر مهربان دوست با وفا از جهان پرید و رفت آه! مجلس عرفان بی وجودش تاریخ شده است بزرگمردی، خطیب پیام ها از جهان پرید و رفت در نوازش در سخاوت، جوانمرد، عیار بود در شهر آن صافی با صفا دوست اولیاء از جهان پرید و رفت روانت شاد و بهشت برین جایب باد ای صافی آن مرد با وفا زینت مجلس ها از جهان پرید و رفت

در تداوی مصابین ویروس کرونا اهتمامات ذیل صورت می گیرد:

بعد از تعقیب مقررات آکسیجن، زرق ویریدی مایعات لازمه، ستیروئید، ادویه ضد ویروس موثر بر ویروس کرونا و انتی بیوتیک لازمه تزریق شده برابلم های صحنی موجوده مد نظر گرفته شده مریض به سرویس اهتمامات جدی یا ICU داخل بستری گردد. ضمناً معاینات لابراتواری و تستهای لازمه رادیولوجیکی اجرامیشود در صورت استطباب مریض توسط متخصصین امراض شش و تنفسی به ماشین ventilator که برای مریض تنفس میخانیکی مهیامیسازد وصل میشود. به اینصورت مریض برای تداوی تجرید شده دکتران، نرسها، خدمه ها همه بالباس مخصوص که آن ها را از شر مصاب شدن به ویروس کرونا محفوظ نگاه می دارد ملبس بوده ماسک و شیلد و دستکش پوشیده می باشند. تنها یک نفر از فامیل مریض در صورت لزوم و با شرایط وقایوی و محافظوی جدی اجازه ملاقات داده میشود. درین اواخر متخصصین ICU به این نتیجه رسیده اند که اگر مریض عوض به پشت به روی سینه خواب داده شود زودتر شفایاب میشوند. اختلالات و پیدایش دیگر اعراض جدید توسط متخصصین مربوطه تداوی میشوند. /

نامه برنت روین

کار داعش بوده است.

با این حال، موجی از قتل‌های هدفمند کارمندان دولت و نمایندگان گروه‌های جامعه مدنی و رسانه‌ها به راه افتاده است. طالبان دست‌داشتن در این قتل‌ها را رد می‌کنند و ممکن است در همه آن‌ها مسئولیت نداشته باشند. اما داعش نشان داده است که حملاتی را ترجیح می‌دهد که تلفات بالا در پی داشته باشد. طالبان دارای دارالافتا هستند که مرتبط به «ستره محکمه» این گروه است که سال‌ها مسئول صدور جواز ترورهای هدفمند بوده است.

این که طالبان دست‌داشتن در ترورهای هدفمند اخیر را رد می‌کنند، قانع‌کننده نیست. بلکه به نظر می‌رسد که طالبان راهی را برای پخش و گسترش رعب و وحشت در میان بخشی از مردم که از نظام فعلی جمهوری اسلامی افغانستان حمایت می‌کنند، و نیز ابزاری را برای انجام این کار به گونه‌ای که از نظر فنی توافق نامه شان با ایالات متحده را نقض نکند، پیدا کرده اند. دولت ایالات متحده احتمالاً این موج از ترورهای هدفمند را نقض جدی تفاهات دو طرف و مانعی برای مذاکرات تسلیقی خواهد کرد.

من می‌فهمم که هردو طرف منتظرند ببینند که اداره بایدن چه تصمیمی می‌گیرد، قبل از این که دو طرف مواضع‌شان را اعلام کنند. برخی از افراد در کابل ممکن است بخواهند که مذاکرات به تأخیر افتد و ایالات متحده تحت فشار قرار گیرد و نیروهایش را در افغانستان نگه دارد.

یک برداشت بسیار رایج در حکومت افغانستان و ایالات متحده این است که طالبان عمداً گفت‌وگوها را به درازا می‌کشند تا پس از خروج ایالات متحده بتوانند از راه نظامی به پیروزی برسند.

من همچنین درک می‌کنم که بدگمانی مشابهی در جانب طالبان وجود دارد مبنی بر این که حکومت افغانستان مذاکرات را به تأخیر می‌اندازد به این امید که دولت بایدن خروج نیروهایش را از افغانستان به تأخیر بیندازد یا کاملاً خروج را لغو کند. اگر طالبان می‌خواهند اطمینان بیشتری پیدا کنند که دولت بایدن به تعهداتش در زمینه خروج نیروها پایبند بماند، باید پیشنهاد نقشه راه سیاسی و آتش‌بس را روی میز مذاکره قرار دهد.

در مقاله اخیرم پیشنهاد کردم هر دو طرف با موافقت یکدیگر مهلت اول ماه می برای خروج نیروها را به مدت شش ماه به تعویق اندازند تا این مدت زمان به دو طرف امکان بدهد که در مورد توالی و ترتیب رویدادها از جمله آزادی زندانیان که احتمالاً منوط به کاهش خشونت، برداشته‌شدن تحریم‌ها، اجرای تعهدات ضد تروریستی، خروج نیروها، توافق سیاسی و آتش‌بس خواهد بود، دوباره به توافق برسند.

شاید اگر طالبان به آتش‌بس شش ماهه (یا طولانی‌تر) متعهد شوند، پس از آن که همه سربازان خارج شده باشند، بتوان مهلت را آن چنان که هست حفظ کرد.

اگر طالبان شرایط دیگری برای چنین آتش‌بسی دارند، باید آنرا بیان کنند. با این حال و با توجه به کشتارهای هدفمند در افغانستان، گزینه آتش‌بس از جذابیت کم تری برخوردار است. اگر طالبان مسئولیت این کشتارها را قبول نکنند، نمی‌توانند متعهد به متوقف کردن آن شوند. پایان‌دادن به این کشتارهای هدفمند ممکن است شرط مهمی برای حل بن‌بست فعلی باشد.

من نمی‌دانم موضع دولت بایدن چه خواهد بود. من معتقدم که دولت بایدن از مذاکراتی که قرار است شما در دوحه به هدف دست‌یافتن به توافق با جمهوری اسلامی در مورد آتش‌بس و نقشه راه سیاسی آینده برای افغانستان انجام دهید، حمایت خواهد کرد. من امیدوارم که شما آماده پذیرش پیشنهادات و نظریات درباره مذاکره مجدداً در مورد جدول زمانی باشید تا مطمئن شویم که توافق نامه دوحه همان‌طور که قرار بود، تطبیق شود. اشاره: این نامه را بارت روین، مقام سابق وزارت خارجه ایالات متحده نوشته است و روزنامه اطلاعات روز به فارسی ترجمه کرده است. /

احمدزی انتقام می‌گیرد!

آقای غنی احمدزی شما می‌خواهید (سر زاغ بودند بگیرید)! خانمش مانند خانم شما خارجی است، او در یک فامیل یازده نفره بزرگ شده و جوانترین فرزند خانواده است. شما می‌دانید که حمدالله محب مانند خودت یک پشتون متعصب، قومگرا و پیرو خط جنرال خلقي و اسماعیل یون و ناصراصولی است!

در ارگ یک حلقه خاص وجود دارد که تمام شان پشتونهای خودخواه، یک دنده بوده و جز به منافع خویش به دیگر امور فکرنمی‌کنند. این حلقه خاص عبارت اند از: اشرف غنی احمدزی در رأس، حمدالله محب مشاور امنیت ملی، عمر داوودی نماینده خاص احمدزی در پاکستان، وحید عمر مشاور ارشد احمدزی و داماد داوودزی، هارون چخان سوری وزیر معادن و پترولیم، حنیف اتمر وزیر خارجه، سلام رحیمی وزیر در امور صلح، دلبر نظری وزیر امور زنان، شهناز ایوبی وزیر مخابرات، داوود سلطانزوی شهردار کابل و خانمش زهره یوسف مشاور رولا-بی بی گل- غنی!

شاهدان عینی واقعه المناک دانشگاه کابل می‌گویند که تروریستان به زبان‌های پشتو و اردو صحبت می‌کردند. از آقای محب باید پرسید که مهاجمان که سه نفر بودند و به زبانهای پشتو و اردو گپ می‌زدند، از کدام قسمت افغانستان بوده باشند؟ شاید بگویند از آن طرف سرحد! یا بگویند که نمی‌دانند!

آقای غنی احمدزی روز سه شنبه سوم نومبر را روز ماتم ملی اعلان کرد، غیر از این دیگر چه کرده می‌توانست؟ و در ضمن غر زد که «چند برابر انتقام خواهم گرفت» دیده شود که ادعای احمدزی مبنی بر انتقام گیری چطور عملی میشود؟ شاید پس از یک هفته همه چیز به باد فراموشی سپرده شود و آب از آب تکان نخواهد خورد !!!

در گرامی داشت استاد ننگیالی

آر کستر در رادیو تلویزیون افغانستان بود: آر کستر کلیوالی و آر کستر جاز ماهمکاران و دوستان نزدیک همیشه باشوخی می‌گفتیم استاد از پگاه تاییگاه در رادیو ترمپت مینواز دو این واقیبت بود چون او در همه آهنگهای هنرمندان حضور داشت. ننگیالی شاگردان بیشماری دارد که من هم افتخار شاگردی شان را دارم، وحید سمندری، فرید شفیقه و عارف سجادی از جمله شاگردان جوان و با استعداد استاداند که موفقیت‌های شان امروز در دنیای غربت افتخار همه ما افغانهاست. بگونه نمونه وحید سمندری رهبریک آر کستر بزرگ در کشور سلواک است.

ما امروز نبود استادانی همچون ننگیالی را بخوبی در کشور مان احساس مینماییم. اگر او زنده میبود در کشور میبود، افغانستان مجبور نبود برای ثبت سرود ملی اش با پرداخت ۴۰۰۰۰ یورو به کشور آلمان مراجعه نماید.

ناگفته نباید گذاشت که نویسندگان محترم ما سالهاست که در نبود هنرمند جوانمردگان شان احمد ظاهر مینویسند، اما آیا گاهی نویسندۀ در نوشته اش از استاد ننگیالی هم یاد نموده که بر آهنگهای احمد ظاهر و جد می‌بخشید و با پشتکار خستگی ناپذیر برایش مینواخت، آهنگ می‌ساخت و همراهیش میکرد...؟

اداره : نگارنده متن دختر هنرمند بزرگ تیاتر کشور شادروان استاد محمد رفیق صادق هست.

مولانا محمد ابن حسام الدین خوسفی

خم ابرو

ای کعبه جان خاک سرکوی تو ما را
محراب دل اندر خم ابروی تو ما را
هوبار که پای از سرکوی تو کشم باز
پا بست کند باز سر موی تو ما را
در راه تو خون دل عشاق سبیل است
گوچشم تو خونریز به یرغوی تو ما را
جز نقش تودر دیده خیالی که در آید
از سر ببرد نرگس جادوی تو ما را
در مملکت حسن ز هر وجه که خوبست
در چشم نیاید به جز از روی تو ما را
زان روی که از سلسله اهل جنونیم
زنجیر کند حلقه گیسوی تو ما را
افتاده چشم سیهت ابن حسام است
زان روز که افتاده نظر سوی تو ما را